



فصلنامه ادبی-هنری روزنامه اطلاعات

سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۷ - سال نهم و هشتم - شماره ۲۸۵۳۳

نگاهی به زندگی و شخصیت «میلان کوندرا»؛

نویسنده معروف چک

تانگ‌ها رفتنی‌اند،

درخت‌های گلابی می‌مانند...



۷۱

جنگی از جستارها

دکتر میرجلال الدین کزازی



تیره‌های ایرانی

واژه رود یا ابریشم، به ویژه در ریخت کوتاه شده آن: بریشم، از آن روی که سیم‌ساز را از روده تافته گوسپند یا از ابریشم می‌ساخته‌اند، در پهلوی و پارسی، در معنی ساززهی به کار رفته است. نمونه را فرخی گفته است:

زخمهٔ رودزن، نه پست، نه تیز
زلف ساقی، نه کوته و نه دراز

نیز نازنین غزنین، سنایی راست:

شده از غیرتش بریشم تن

زهره‌ی زهره‌ی بریشم زن

با این همه، کاربرد واژه تارد در معنی ساز، از دید معنی‌شناسی نغزتر است و بیش نشان از ارجمندی و والایی این گونه از ساز زهی نزد ایرانیان دارد. زیرا کاربرد، در رود و بریشم، کاربردی است فراگیر که همه سازهای زهی را در برمی‌گیرد. لیک تار که به معنی سیم ساز است و از این دید با بریشم و رود یکسان، نامی گردیده است تنها از سازهای زهی را. سازی که نمونهٔ برترین و نمادین است، این گونه از سازها و ابزارهای خنیا را به یکبارگی.

هر کس تار را به نیکی بشناسد و بسازد، به ناچار در شناخت و ساخت دیگر سازهای زهی نیز توانا خواهد بود. به همان سان که به گفته پیر هژبر و فرخنده ویر بلخ که خود از شیفتگان خنیا بوده است و آوای دلگشای دوست را از خشک سیم و خشک چوب و خشک پوست می‌شنوده است، هر کس که به صد دست یابد، هر آینه به شمارهای دیگر نیز دست یافته است.

خشک سیم و خشک چوب و خشک پوست
از کجا می‌آید این آوای دوست؟

در ایران زمین، همواره، از دیرترین روزگاران تاکنون، تیره‌هایی گوناگون می‌زیسته‌اند و همگان خویشان را ایرانی می‌دانسته‌اند و بدان می‌تاخته‌اند (= نازیده‌اند) و سر بر می‌افراخته‌اند که در سرزمین سپند و اهورایی ایران، زاده‌اند و زیسته‌اند.

پاره‌ای از این تیره‌های ایرانی، زبان یا گویشی ویژهٔ خویش داشته‌اند که از آن، در سخن گفتن با یکدیگر بهره می‌جستند. بایستهٔ گوناگونی در تیره‌ها و گویش‌ها و زبان‌ها آن بوده است که در هر روزگار از تاریخ ایران، زبانی فراگیر و میهنی و همگانی، رشتهٔ پیوند باشد.

در میان همهٔ تیره‌های ایرانی، زبانی که ایرانیان را با یکدیگر پیوسته و همبسته می‌داشته است و پایگاه و پائندان فرهنگ و منش و ناخودآگاهی تباری ایرانی بوده است.

با این همه، همواره در درازنای تاریخ، زبان‌ها و گویش‌های بومی ایرانی نیز در کنار و همراستا با زبان فراگیر میهنی، در کار و پرچار بوده‌اند و می‌بالیده‌اند و چونان پشتیبان و پشتوانه‌ای نیرومند و پایدار، این زبان را یاری می‌رسانیده‌اند و بیش از پیش، مایهٔ شادابی و شکوفایی و شیوایی آن می‌گردیده‌اند.

گاه نیز در زبان‌ها و گویش‌های بومی ایرانی، سامانه‌ای ادبی پدید می‌آمده است و دفترهایی دلاویز را در سخن در پیوسته (=منظوم) و پراکنده (= منثور) پدید می‌آورده است. پاره‌ای از این دفترها آن چنان دلپسند می‌افتاده است و آوازهای بلند می‌یافته است که بنیاد و خاستگاهی می‌شده است، پدید آیی و پیدایی شاهکاری را در ادب پارسی.

نمونه‌ای نیک آشنا از این گونه دفترها، یکی از نامورترین کتاب‌ها در نثر نگارین و هنرورانه‌ای پارسی است که «مرزبان نامه» نام دارد. این کتاب، از آن روی مرزبان نامه نامیده شده است که نخست یکی از بزرگ زادگان و بلندپایگان طبرستان، مرزبان رستم شروین، آن را به زبان طبری نوشته بوده است؛ سپس سعدالدین وراوینی آن را به پارسی برگردانیده است.

در ذکر خبر و شرّ خودمان

قسمت نهم

• جلال رفیع

آواز لودر و رقص بولدوزر!

می‌سپرد!)، بسیار بعید به نظر می‌رسید که بتواند با همان لطافت و ظرافت‌انکارناپذیرش، ذوق‌زایی و غزل‌سرایی کند.

«بلبل سحری» امروز و امشب شهروندان تهران جدید، همان نیست که سعدی به ترجمهٔ بلبل زبانی‌هایش پرداخته و از زبان پر رمز و راز آن مرغک چشم بلبلی، این پرسش را شنیده و به سمع مبارک دیگران رسانده است: تو خود چه آدمی‌یی، کز عشق بی‌خبری؟

«بلبل سحری» و «مرغ سحر» امروز و امشب ساکنان کوچه‌ها و خیابان‌های فرورفته در حصار قبرستان‌های عمودی (برج‌ها و مجتمع‌های مثلاً مسکونی)، نامش «لودر» است و «بولدوزر»، آهن برآست و آهن‌پُر، سنگ کوب است و سنگ‌تراش.

شیخ اجل ما، پیام بلبل سحری را برای من و شما به زبان شیرین «فارسی شکر است» ترجمه کرده و آورده است: «شتر را چو شور و طرب در سر است، اگر آدمی را نباشد خر است». ضمن تشکر از محبت و تفقدی که مرحوم استاد مصلح الدین سعدی شیرازی در حق امثال بندهٔ بی‌شور و بی‌طرب در خلال این بیت ابراز فرموده‌اند، به استحضار می‌رسد:

اولاً ما آدم‌های این دوره و زمانه، از نعمت رویت شتر هم محروم شده‌ایم و دیگر حتی حضرت باباطاهر نیز لازم نیست مرتباً برای ما عذر عریان بودن بیاورند و بگویند شتر دیدی ندیدی (چون اصلاً شتر نیست که ببینیم و هر چه می‌بینیم، خر است. همین خرماشین‌هایی که امروز به آنها لودر و بولدوزر می‌گویند).

ثانیاً فرموده‌اند که اگر کسی شور و طرب شتر را نداشته باشد، خر است. باز هم فرمایش، متین است. اما نمی‌دانیم آیا منظور استاد، همان «رقص شتر» است که مثل «باله دریاچه قو» معروف است و البته آواز شغال هم همراه دارد (و در مثل مناقشه نیست) یا خیر؟

ثالثاً ما امروز در علم ساختمان‌سازی، خصوصاً از نوع مقاومتش، به قدری پیشرفت کرده‌ایم که یک کلمه ترکیبی کلیدی‌اش به تنهایی باردار همهٔ مفاهیم و معانی متعددی است که مندرج در همین حکایت گلستان است. این واژهٔ ویژه، «آسمان‌خراش» است.

خوشا به حالت ای شیخ که شیخ اجل بودی! اجل از این که در روزگار «نه سنتی نه صنعتی» ما مثلاً شهرنشین باشی. اگر در تهران ما می‌زیستی، کجا می‌توانستی فراخنای سخاوتمند صحرای سکوت را تجربه کنی و مزهٔ موسیقی سفر حجاز را مضمضه کنی؟ آنهم با این حلاوت:

وقتی در سفر حجاز، طایفه جوانان صاحب‌دل، همدم‌من بودند و همقدم. وقت‌ها زمزمه کردند و بی‌تی چند محققانه بگفتندی. و عایدی در سبیل، منکر درویشان بود و بی‌خبر از درد ایشان. تا برسیدیم به نخیل بنی‌هلال. کودکی از حیّ عرب بدر آمد، و آوازی بر آورد که مرغ هوا از طیران در آورد، و اشتر عابد را دیدم که به رقص اندر آمد، و عابد را ببنداخت، و راه بیابان گرفت. گفتم ای شیخ، سماع در حیوان اثر کرد، و تو راهمچنان تفاوتی نمی‌کنی؟!

دانی چه گفت مرا، آن بلبل سحری؟ تو خود چه آدمی، کز عشق بی‌خبری؟ اشتر به شعر عرب، در حالت است و طرب گر ذوق نیست تو را، کز طبع جانتوری! شتر را چو شور و طرب در سر است اگر آدمی را نباشد، خر است!

البته آن شیخ نخست (سعدی دل به هنر داده) با این شیخ دیگر (عابد از شتر افتاده) همسخن نبوده‌اند. او شیخ اجل بوده است و این شیخ اجل، آنهم اجل معلق!... اما حتی همان شیخ والا کلام نیز که شأن وجودی و تاریخی‌اش اجل از آپارتمان‌نشینی و کارگزینی در بلاد کبیره‌ای مثل تهران بوده است، اگر به‌جای سفر در صحرای حجاز و همقدمی با طایفه جوانان صاحب‌دل و نیز همدمی با زمزمه‌ها و بیت‌های محققانه‌ی آنان، اعظم عمر بر باذرفته‌ی خود را در حبس آپارتمان در همین تهران (با همین قرائت یا قرائت‌های بهترش!) سپری می‌کرد چه می‌کرد؟

او اگر به جای فرورفتن در ژرفای سکوت و شناورشدن در بلندای آرامش، در جایی می‌زیست که کوچه‌به‌کوچه، کو به کو، مستمع موسیقی مداوم خانه‌خرابی‌های شهر خویش می‌بود و به جای استماع سرود جوانان صاحب‌دل و لذت بردن از آواز طرب‌آور کودک عرب، همچنان هر شب هنگام خواب به نعره‌های دلخراش دایناسورهای چنگال آهنین (لودر و بولدوزر) دل می‌داد و جان



شاید اگر سعدی بعدی با همان طایفه از جوانان صاحب‌دل همسفر می‌شد و به روزگار ما می‌رسید، در هر خیابان عده‌ای را می‌دید که زمین و زمان را با لودر و بولدوزر می‌کاوند و هنوز ساخت و ساز شروع نشده، ماکت زندهٔ آسمان‌خراش را برای رفاه حال بازدیدکنندگان محترم ساخته و پرداخته‌اند.

ماکت‌زنده؟... بله، چند تن آکروبات‌چی هنرمند شعیب‌باز بردوش یکدیگر پا نهاده بالا رفته‌اند و می‌گویند: ملاحظه کنید. مثل دویی. چنان بالا بلند که انگار آسمان خراش برداشته. این آسمانش، این هم خراش!

یکی به شیخ اجل ما از ما سلام رسانده بگوید: مولانا! ما امروز در میانهٔ سنت و صنعت گیر کرده‌ایم. شیرازهٔ شیراز و حجاز قرن هفتم هجری در عصر جدید از هم گسیخته است. ما در این روزگار، شهرهایی را پدید آورده‌ایم که گاه و بیگاه به جای مزایای سنت و صنعت، مضار هر دو را با هم جمع می‌زند و به ماعرصه می‌کند.

رقص شتر که هیچ، حتی آواز شغال را هم در طویل طبیعت این روزگار ماشینی و شبه‌ماشینی از دست داده‌ایم. کو آن کوچه باغ‌هایی که سعدی و حافظ از آن می‌گذشتند؟ کو آن خانه باغ‌هایی که سعدی و حافظ در آن می‌زیستند؟...

کاش آواز شغال بودی و نعرهٔ گازوئیلی شبانه روزی این دایناسورهای فلزی بی‌رحم بی‌عاطفه، نبود. کاش آواز شغال بودی و نالهٔ دلخراش ارّه‌های سنگتراش که حتی در روزهای تعطیل و استراحت هم می‌نالند، نبود. کاش رقص شتر بودی و دانش مدرن این غول‌های خاک خوار خانه خراب کن، نبود.

کاش می‌توانستی از سنت به صنعت چنان انتقال پیدا کنی که هم محاسن سنت بر جای می‌ماند و هم مزایای صنعت.

کاش این نوع از موسیقی آسمان‌خراشی و سنگ‌تراشی نیز مثل موسیقی پاپ پارتی‌های دلخراش شبانه‌مان، «مفسده‌آمیز» خوانده می‌شد! کاش موزیک مدرن بی‌کمی و تیرآهن افکنی و سنگ شکنی‌مان نیز غربی و استکباری دانسته می‌شد!





نوشته‌های پراکنده

محمد صالح علا

یکی از اسطوره‌های شرقی

در تاریخ بازمه اسطوره‌های شرقی، مردمی بوده‌اند که همه عمر را به عجله کردن می‌گذرانده‌اند. آنها از روی ساده‌دلی می‌خواستند همه چیز را وادار به اتفاق افتادن بکنند. مانند منکوبی‌ها، قبیله‌ای در جزایر اندامان در حاشیه خلیج بنگال که خدای پولوگا را می‌پرستیدند.



پولوگا خود در آسمان، خانه‌ای سنگی داشت. در فصل شتا می‌خوابید. فصل پاییز را به زمین می‌آمد و به تهیه آذوقه مشغول می‌شد. او اغلب به صورت طوفانی سخت ظاهر می‌گردید و به کسانی که به او اهانت می‌کردند، اخگرهای سوزان پرتاب می‌کرد؛ مانند رعد و برق.

پولوگا پسر خود را به وزارت منصوب کرده بود. پسرش زیر آسمان بود و دخترهایش برای آسایش خانواده خود، به آب‌های شور، ماهی و خرچنگ می‌ریختند. اما دیگر دخترها در خانه می‌ماندند. پسرها به جنگ می‌رفتند و اگر کسی در تاریکی بود، او را با تیرهای نامرئی هلاک می‌کردند.

آنها در همه وقایع سرزمین‌شان دخالت داشتند. می‌گویند ساختن تیر غیب، از اختراع ایشان است. تیری که هیچ انسان و حیوانی از اثر مهلک آن خلاصی پیدا نمی‌کرد. خود آنها شیوه ساختن تیر غیب را پنهان نگاه می‌داشتند تا زمانی که یکی از رقیب‌های پولوگا، راز ساختن تیر غیب را بر کسی از قبیله رقیب برملا می‌کرد.

آن شخص دهن‌لق گفته که آنها ابتدا آهویی از آهوان دشت را شکار می‌کنند، سپس جگرش را درآورده، به سر چوب بلندی می‌بندند و عازم محلی می‌شوند که مارهای جرس‌دار در آنجا بسیارند. آنها در آنجا می‌مانند تا ظهر که مارها از لانه‌ها بیرون می‌زنند و زیر آفتاب حلقه زده، می‌خوابند. آن که چوب مزبور را به دست گرفته، به یکی از ایشان معترض می‌شود. در اول ملکه مارها با نهایت خشم، نیشی به جگر آهو می‌زند و سپس دیگرها، هنگامی که همه به جگر آهو نیش‌شان را زدند، آن جگر را از سر چوب دراز برداشته، خشک کرده و کوفته و در صورت لزوم، نوک تیرهاشان را با آن معجون دل‌زهری شده طلایه می‌کنند. حالا دیگر بدا به حال دشمنی که طلایه چنان تیری به اندامش اصابت کند.

غیر از اینها آنها دیوی دارند که در دریا خانه دارد که آنجا خورشید زن است و ماه شوهر اوست. ستاره‌ها هم اطفال این زن و شوهر هستند. کواکب روزها می‌خوابند. ماه و خورشید هم پس از تاییدن به زیر زمین می‌روند. آنها مانند بقیه می‌خوانند و در خواب نوری لطیف می‌پاشند که خسوف رنجش ماه است و از کسوف می‌ترسند؛ که همه خود را قوم و خویش عقب و افعی و خرچنگ‌ها می‌دانند.

زخم روز را با غروب می‌بندند و هر سال‌شان ۵ فصل دارد. فصل پنجم نیستان است. فصلی که مردهای قبیله، رختی از مهتاب می‌پوشند و زنان پنجره بر دوش به دنبال نسیم هستند تا که نسیم‌ها از دورها بیایند و در نزارها آغاز به وزیدن کنند. پس از آنها، نوبت وزیدن بادها و شیون ابرهاست. البته در فرهنگ منکوبی‌ها هم اسم آن آب‌ها که از آسمان می‌ریزد، باران است.



حسن فرازمنند

تقویم هنر و ادب به روایت یک قرن انتشار روزنامه اطلاعات - ۳۶

اخطار روزنامه اطلاعات به خوانندگان و مشترکان

۲۳ آبان ۱۳۰۷

درچنین روزی جریده اطلاعات خطاب به خوانندگان صاحب آبونمان خود نوشت: «به آقایانی که برای وجوه آبونمان و همچنین برای تقاضای ارسال روزنامه تمبر پست می فرستند، اخطار می شود که منبع تمبر یک شاهی ارسال دارند.»

جریده اطلاعات همچنین در اعلان دیگری خاطرنشان ساخته است که شماره‌های ۲۶۳-۲۶۸-۳۴۸ از سال دوم برای اداره اطلاعات لازم است. دارندگان به دفتر اداره تحویل داده و هر شماره یک قران دریافت دارند.»



اجرای نمایش «حاج عبدالشکور» در گراند هتل

۳ آبان ۱۳۰۷



درچنین روزی دراعلانی درجریده اطلاعات اعلام شد که نمایش «حاج عبدالشکور» ازسوی شرکت کمدی ایران درسالن گراند هتل اجرا می شود. در این اعلان یادآوری شده است که بلیط‌های این نمایش از خیابان لاله زار، مغازه بن آر- گالری لاله زار- خیابان رفاهی - تجارخانه قادوسی تهیه شود. آن طور که بانو نیایش پورحسن در مقاله ای مشروح درنشریه نمایش شماره فروردین و اردیبهشت سال آورده است(که تصویربریده آن مقاله در سمت راست عکس است)، شرکت کمدی ایران، از نخستین مؤسسه‌های نمایشی است که براساس مقدمات و اصول صحیح و علمی آغاز به کار کرد و ذوق و فهم مخاطبان را ارتقا داد. سیدعلی نصر(که عکس او را مشاهده می کنید)، با کسب اجازه رسمی از وزارت معارف و صنایع مستظرفه، این شرکت را در سال ۱۳۰۴ تأسیس کرد. شرکت کمدی ایران از اولین تئاترهای حرفه‌ای و ثابت بود که نمایش‌هایی از مولیر، شکسپیر، لایبش و نصر در آنجا اجرا شد. محمود بهرامی(منشی باشی)، عنایت الله شبیانی، محمدعلی ملکی، کمال الوزاره محمودی، مهدی نامدار، رضا هنری، فضل الله بیگان، محمود ظهیرالدینی، حسین خیرخواه، نعمت مصیری، ملوک حسینی، و جلال الدین مرعشی، هنرمندانیدوبند که با کمدی ایران همکاری می کردند. برخی از نمایشنامه‌های معروفی که «کمدی ایران» اجرا کرد، عبارت‌اند از: «هرچه کنی به خود کنی» و «می‌خوام بخوام».

فیلم کمدی «برویم» ریچارد تلمج در سینما سپه

۲۳ آبان ۱۳۰۸



درچنین روزی درجریده اطلاعات اعلام شد که فیلم «لوت کو» یا «برویم» با هنرنمایی ریشاردتالمج در سینما سپه به نمایش در می آید. در این اعلان آمده است: «امشب آرتیست محبوب و بی همتا ریشاردتالمج شهیر درفیلم مشهور و بی نظیر لوت کو- یا برویم».

این را اضافه کنیم که ریشاردتالمج یا ریچارد تلمجیک، هنرپیشه و کارگردان اهل ایالات متحده آمریکا بود. از فیلم‌ها یا مجموعه‌های تلویزیونی که وی در آنها نقش داشته است، می‌توان به «تازه چه خبر پوسی کت؟» اشاره کرد. او از نخستین سال‌های دهه ۱۹۱۰ به بعد، خود به ایفای نقش در نوع‌های کمدی و قهرمانی پرداخت. در سال ۱۹۲۳ نیز یک کمپانی تولیدفیلم تأسیس کرد. با ظهور ناطق، به دلیل لهجه غلیظ آلمانی‌اش نتوانست به کار در جلوی دوربین ادامه دهد و به ناچار به عنوان دستیار کارگردان، پشت دوربین قرار گرفت. سپس کارگردان صحنه‌های اکشن شد و در این حرفه در حدودا هفتاد فیلم همکاری داشت که از جمله آنها می‌توان به سبزد اسپارتی(رودولف ماته، ۱۹۶۲)، دنیای سیرک(هنری هاتوی، ۱۹۶۴)، بزرگترین داستان عالم (جرج استیونز، ۱۹۶۵)، تازه چه خبر پوسی کت؟(کلایو دانر، ۱۹۶۵)، هاوایی (جرج روی هیل، ۱۹۶۶) و کازینو رویال (جان هیوستن، ۱۹۶۷) اشاره کرد. او بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت.

«طاق نصرت» اینگرید برگمن در سینماهای تهران

۲۳ آبان ۱۳۲۸



درچنین روزی درستون نمایش فیلم درسینماهای تهران در جریده اطلاعات اعلام شد که فیلم «طاق نصرت» باشرکت «اینگرید برگمن» و شارل بوایه، در دوسینمای البرز و ایران درحال نمایش است.

این توضیح را بدهم که فیلم سینمایی طاق نصرت، یک فیلم رمانتیک جنگی آمریکایی به کارگردانی لوئیس مایلستون، نیت وات، و رابرت آلدریچ است که در سال ۱۹۴۸ منتشر شد. این فیلم با اقتباس از رمانی به همین نام، نوشته آریش ماریا رمارک نویسنده آلمانی، تهیه شده است.

در این فیلم، اینگرید برگمن در نقش جوان مدو بازی کرده است. درباره خانم اینگرید برگمن یادآوری کنم که این بازیگر سوئدی تبار و فوق ستاره دهه چهل هالیوود، در ۲۹ اوت ۱۹۱۵ از پدری سوئدی و مادری آلمانی به دنیا آمد و در همان کودکی، مادرش را از دست داد.

جشن هفتصدمین سال تألیف بوستان و گلستان سعدی

۲۳ آبان ۱۳۱۵

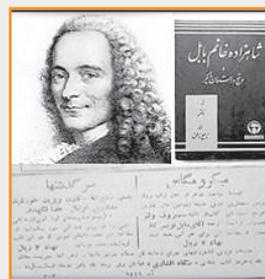


درچنین روزی جریده اطلاعات، به نقل از خبرنگار خود در رضائیه(ارومیه امروزی)، از تهیه مقدمات برگزاری جشن هفتصدمین سال تألیف بوستان سعدی توسط اداره معارف ایالت غربی آذربایجان خبر داد. در این خبر کوتاه آمده است: «اداره معارف ایالت غربی آذربایجان برای تهیه مقدمات جشن هفتصدمین سال تصنیف بوستان و گلستان سعدی، مشغول اقدامات لازمه است. اخیراً جلساتی مرکب از رؤسای دوایر و فضلا و معاریف برای مذاکره و تهیه جشن در اداره معارف دائرگردیده است.» لازم است توضیح دهم، آن طور که شیخ اجل در مقدمه بوستان یادآوری کرده است، بوستان سعدی یا سعدی‌نامه در سال ۶۵۵ به پایان رسیده است:

به روز همایون و سال سعید
ز ششصد فزون بود پنجاه و پنج
که پر در شد این نامبردار گنج
قدیمی‌ترین نسخه‌ای که از کلیات سعدی اکنون در اختیار ماست، در سال ۷۶۶ هجری (۷۶ سال پس از وفات سعدی) توسط «محمدبن عبداللطیف عتاقیری» در شیراز کتابت شده و در حال حاضر در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

انتشار کتاب «میکرومگاس» اثر ولتر به قیمت ۳ ریال

۲۳ آبان ۱۳۱۸



درچنین روزی دراعلانی درجریده اطلاعات اعلام شد که «میکرومگاس» افسانه سیاحت دونفرزاهل کرات دیگر به زمین و مهمترین درس فلسفه و درعین حال بهترین تفریح است. این کتاب از تالیفات معروف «ولتر» فیسوف فرانسه، ترجمه آقای مایل تویسرکانی است که مطالعه آن برای هرکس مفید است. این توضیح را نیز اضافه کنم که این کتاب داستان، حول محور موجودی می‌گردد اهل یکی از سیارات چرخان به دور ستاره‌ای به اسم سیروس که به زمین سفر می‌کند و در آنجا همنشینی پیدا می‌کند. گفته شده است که این رمان، تقلیدی از کتاب سفرهای گالیور، اثر جاناتان سوئیفت است. تصویری از جلد این کتاب نیافتیم، اما به عکس روی کتابی دیگر از ولتر به نام «شاهزاده خانم بابل» دسترسی داشتیم که تصور می‌کنم همان میکرومگاس باشد که معنی آن داستان‌های کوچک است.



• رضا صائمی

درباره نقد روشنفکری و روشنفکران در روزگار ما

بت شکنی یا خودروایتگری؟



• حسین ابتهج

تاریخ نداشته، آنگاه با ارجاع ارتجاعی به فهم تاریخی از او، «سایه» را خائن و بی مایه جلوه می‌دهد! یا زیست شخصی و روابط عاطفی و اخلاق فردی ابراهیم گلستان را به معیار و محکی تحکم آمیز برای کوبیدن او استفاده می‌کند و تمام آثار و آفرینش های هنری او را که در زمانه خود جریان ساز بوده، انکار کرده یا نادیده می‌گیرد تا خود را جلوتر از مردمی بداند که در سوگ شاعر یا فیلمساز خود سخن می‌گویند.

از سوی دیگر، در نقد ناکامی های اجتماعی و سیاسی، روشنفکران را به عنوان متهم ردیف اول در صف جلوی نقد قرار می‌دهند و بر آن می‌تازند که این خود از یک درک تاریخ شناسانه برمی‌آید. گویی تقدیر تاریخی یک کشور، حاصل عاملیت و کنشگری چند روشنفکر و هنرمند بوده و اراده و آگاهی جمعی، هیچ نقشی در آن نداشته است و تاریخ ساختار بی اراده ای است که تخت بند تعدادی روشنفکر است!

بدیهی است که این به معنای نقد روشنفکران نیست که اساساً ماهیت روشنفکری با نقد و نقادی گره خورده و در نسبت با آن معنا می‌شود و هویت می‌گیرد.

اتفاقاً این رخداد خوبی است که هیچ روشنفکر و جریان روشنفکری، مصون از نقد نباشد و به یک بت تبدیل نشود؛ اما شیوه بت شکنی نباید روایت خودمحوری باشد. روایتی مبتنی بر این تصویر و تصور که من نقد می‌کنم، پس هستم.

بنای نقد بر تحلیل ابژه است، نه تجلیل سوژه. اقتضای نقد علمی و روشمند این است که هر اندیشه و اندیشمند و هر هنر و هنرمندی را در زمینه و زمانه خودش و به شکل تاریخمند نقد کنیم تا عملکرد او را در نسبت با مقتضیات و ضرورت های زمان بسنجیم. هیچکس نمی‌تواند فراتر از زمانه خود بایستد و به دیگران بتازد. گاهی جلوه های رجحان یافتگی در جامعه، بازنمایی عقب ماندگی از جامعه است. به قول نیما یوشیج: آن که غربال به دست دارد، از عقب کاروان می‌آید!

روشنفکران جامعه، مصون از نقد هستند یا مرگ آنها موجب معصومیت و تقدس بخشی به آنها شده و از نقد شدن میراثشان می‌کند. مسأله بر سر شیوه های نقد آنهاست. از جمله نقدهایی که می‌توان بر این نقدها داشت، فقدان تحلیل تاریخمند است.

فقدان درک تاریخی در تحلیل رخدادها، موجب می‌شود تا مدارک تاریخی برای محکوم کردن یک هنرمند و روشنفکر فراهم شود و ناراحتی از وضع موجود هم چون بنزینی بر آتش، بر شعله این خشم بدمد و آفرین گفتن ها با نفرین کردن ها تویض شود.

در این نگاه، میشل فوکو همچون پینوکیو است که باید دماغ درازش را به نمایش گذاشت که اوهم اوایل انقلاب، در مقاله «ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند»، ایران انقلابی را روح جهان بی روح تعبیر کرده بود.

با عینک امروز، وضعیت دیروز را دیدن، با تجربه اکنون، رخدادهای گذشته را تجزیه کردن و با منطق معاصر به نطق و نقد دیروز پرداختن و بی توجه به تاریخمندی گفتارها و گفتمان ها، کارنامه و کاراکتر یک شخصیت را در یک مقطع تاریخی فریز کردن و آرزوهای ناکام خود را در ترازوی کارنامه دیگری سنجیدن؛ نه روشنگری است، نه مبارزه. فخیم نمایانند خود نیست، عقیم کردن خرد در فهم تاریخمند رخدادهاست.

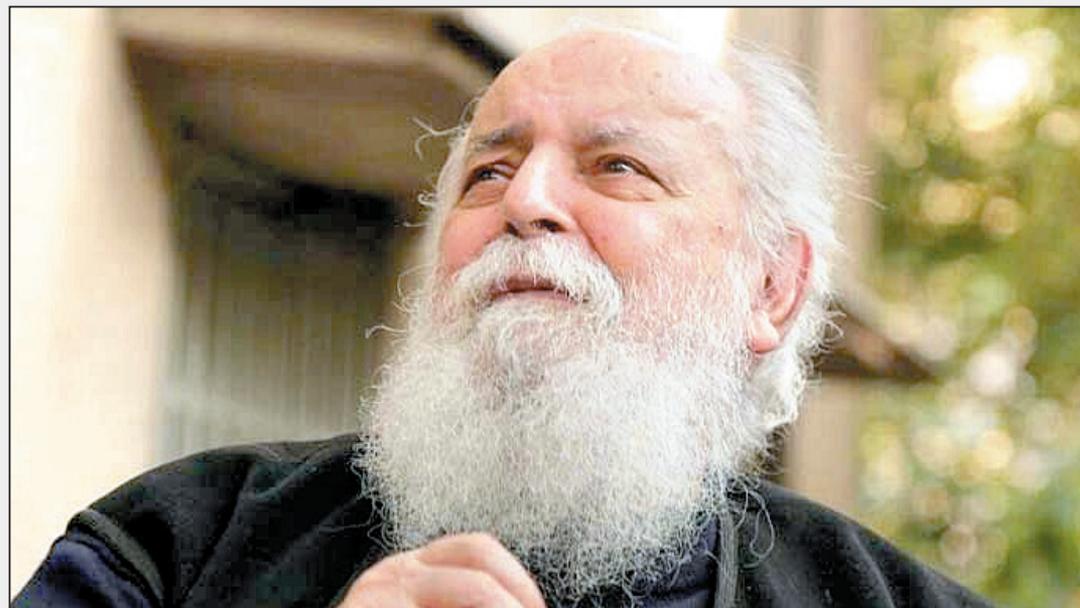
طرف به اندازه یک بیت ابتهج، تأثیری در

مرداد ماه سال پیش که هوشنگ ابتهج درگذشت، موجی از نقدهای منفی و رادیکال درباره گذشته و تفکر سیاسی او که به سنت چپ تعلق داشت، صورت گرفت و شهرپور امسال نیز همین ماجرا و چه بسا با شدت و حدت بیشتری درباره ابراهیم گلستان رخ داد.

به نظر می‌رسد که ناراضیاتی از برخی شرایط وضع موجود، خود به معیار و میزان برخی تبدیل شده برای سنجش و داوری درباره چهره های آشنا و بزرگ حوزه فرهنگ و هنر تا در حکمی تحکم آمیز، به زعم خود، از آنها آشنایی زدایی کرده و با برملا کردن گذشته آنها بت شکنی کنند.

اغلب آنها دقیقاً به باز تولید ماهیت و کارکرد همان ایدئولوژی هایی دست می‌زنند که خود آن را نقد و نفی می‌کنند. مثلاً گرایش های چپ هوشنگ ابتهج را در چپ ترین تحلیل های خصمانه، به چماقی بدل می‌کنند و بر سرش می‌زنند تا به گمان خویش، نه شخصیت سایه که بخش سایه شخصیت او را احضار و وجدان عمومی سوگوار از مرگ او را به وجدانی معذب و شرمسار تبدیل کنند، یا با فحش و ناسزا به ابراهیم گلستان به بددهنی و زبان گزنده او می‌تازند. آنها در واقع با استفاده از همان منطق و زبان تند و تیز، به محکومیت زبان تند و تیز او طعنه می‌زنند.

سخن بر سر این نیست که نخبگان و



هوشنگ ابتهج



همدل با بیدل

محمد کاظم کاظمی

آتش سنگ

برهنم سوخت که در فکر وصال
گم شد از خویش وز جیب صنمی پیدا شد

در یادداشت هفته قبل، به موضوع «شهرت طلبی» در شعر بیدل پرداختیم و گفتیم که بیدل این شهرت طلبی را به نگیب یا حتی سنگ ربط می‌دهد. اما داستان بیدل با سنگ، دراز است و سنگ به اشکال دیگری نیز در شعر او حضور دارد.

نام و عبارت «سنگ آتش زنه» یا «سنگ چخماق» را شنیده‌اید. سنگی که با برخورد دو تکه از آن با هم، جرقه آتش تولید می‌شود و اصولاً روش افروختن آتش در قدیم همین بوده است.

بیدل به همین اعتبار، سنگ را کانون یا منبع آتش هم می‌شمارد. از نگاه او، این آتش در دل سنگ پنهان شده است و در این لحظه خودنمایی می‌کند. این است که «سنگ» و «شرار» در شعر بیدل پیوندی بسیار دارند. شاعر عمدتاً عشق و احساس آدمی را آتشی می‌داند که در دل سنگ وجود او نهفته است. در جایی دارد:

هر که دیدیم، از تعلق در طلسم سنگ بود
یک شرر آزاده از خود جدایی برنخواست

می‌گوید این تعلقات زندگی، ما را مثل سنگ، طلسم کرده است. کاش ما مثل آتش، از سر آزادی و رهایی از تعلقات، از این سنگ بیرون می‌آمدیم. او در بیت دیگری نیز باز می‌گوید که آدم سبک روح، ولی در هر حال از زندان جسم بیرون می‌آید؛ مثل آتشی که حتی اگر در دل سنگ باشد، آزاد خواهد شد:

به قید جسم، سبک روح، متهم نشود
شرار اگر همه در سنگ باشد، آزاد است

خوب تکلیف آن بیت «شوق آن برهنم سوخت...» چه شد؟ آن بیت چه ربطی با بحث ما داشت؟ این دیگر از رموز شعر بیدل است که گاهی وسیله های ارتباطی بین پدیده ها را حذف می‌کند. در آنجا از «برهنم» صحبت شده و همین طور از «صنم». برهنم یعنی هندو، و هندوان مردگان شان را در آتش می‌سوزانند.

و از طرفی، برهنم بت پرست است. صنم را می‌پرستد و صنم یعنی بت سنگی. پس کلید حل آن بیت هم همین ارتباط آتش و سنگ است. می‌گوید که این برهنم آنقدر به این بت خودش عشق می‌ورزید که بعد از مردن هم او را در آتش می‌سوزانند تا به نحوی بالاخره با سنگ ارتباط یابد.

شاید بگویید این ارتباط را دیگر تو از خودت درآوردی! ولی این طور نیست. بیدل در یک بیت دیگر، اجزای این ارتباط را واضح تر بیان کرده است. آنجا که می‌گوید:

بسوز و محوشو تا عشق گردد فارغ از رنجت
شرار سنگ بت، پُر انتظار برهنم دارد

می‌بینید؟ می‌گوید آتشی که در «سنگ بت» نهفته است، منتظر برهنم است تا او را در خود بسوزاند. و تو هم مثل برهنم، در آتش عشق بسوز تا به وصال آن معشوق خود برسی.

بیدل در یک بیت دیگر هم باز بین برهنم و سنگ ارتباط برقرار کرده است. اینجا «رگ سنگ»، یعنی خط های روی سنگ ها را به زنار یعنی رشته های که برهنم بر گردن می‌آویزد، تشبیه می‌کند:

گسستن سخت دشوار است ز نَر محبت را
برهنم رشته واری از رگ سنگ صنم دارد

باری، تخیل بیدل گاهی حیرت آفرین است.

نگاهی به زندگی و شخصیت «میلان کوندرا»: نویسنده معروف چک



• منوچهر دین‌پرست

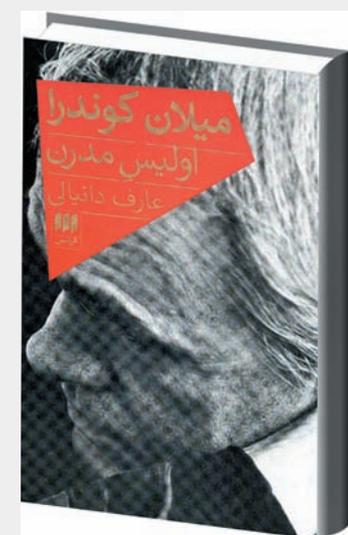
تانک‌ها رفتنی‌اند، درخت‌های گلابی می‌مانند



«میلان کوندرا»، اهل چک، از جمله نویسندگان و رمان‌نویسان برجسته است که آثارش شهرت جهانی یافته و بسیاری از آثار او به فارسی ترجمه شده است. او در میان ایرانیان، اقبال فراوانی دارد و حتی برخی از آثارش چند بار ترجمه شده است. اما باید به این نکته توجه داشت که مثلثکوی، بوداپست، پراگ برای شناخت فرهنگ روشنفکری اروپای مرکزی اهمیت فراوانی دارد.

بیشتر شاعران و نویسندگان چک از پراگ برخاسته‌اند. مخاطبان ادبیات در ایران با آثار کافکا، کوندرا و کلیما آشنایی دارند، ولی از احوال ادبی سال‌های اخیر این کشور کمتر اطلاع دارند. در جمهوری چک نیز ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی، سابقه‌ای طولانی دارد و این کشور، ایران‌شناسان مشهوری مانند ریپکا و بیچکا دارد. اما متأسفانه ادبیات معاصر فارسی در چک چندان شناخته شده نیست.

پیش‌تر توجه به ادبیات فارسی در چک، بسیار بیشتر بوده است و کسانی مثل ریپکا یا بیچکا با وجود موانع پیش روی‌شان، آثار درخوری چون تاریخ ادبیات ایران خلق کرده‌اند و آثاری درباره شاهنامه، هزار و یک شب، خیام، سعدی، جامی، خاقانی، نظامی، عطار پدید آورده‌اند. در مورد ادبیات معاصر، این توجه بسیار کمتر بوده است و فقط آثاری از صادق هدایت یا فروغ به زبان چک ترجمه شده است.



مؤلف کتاب را در پنج فصل ترتیب داده است: تانک‌ها رفتنی‌اند، درخت‌های گلابی ابدی‌اند؛ تو در خانه خود نیستی؛ در اسارت سیرن‌ها؛ خروج از استبداد داستان تو؛ و ناپدید شده در بزرگراه‌ها. امروزه بیش از همیشه، زمزمه‌های پایان عصر رمان به گوش می‌رسد.

در واقع، ادبیات معاصر فارسی خیلی در چک ناشناخته است. این در حالی است که ادبیات معاصر چک در ایران به خوبی شناخته شده است. ادبیات صد سال اخیر چک به شکل گسترده‌ای به فارسی ترجمه شده است و ما با بسیاری از نویسندگان چک از قبیل بهومیل هرابال، ایوان کلیما، فرانتس کافکا و میلان کوندرا و آثارشان آشنا هستیم. در سه چهار دهه اخیر فقط ترجمه کافکا و کوندرا نزدیک به هفتصد هزار شمارگان در ایران چاپ شده است که عدد جالب توجهی است. همچنین آثار «ایوان کلیما» در این سال‌ها با استقبال فراوانی روبه‌رو بوده است. همان‌طور که کتاب کم‌حجم واتسلاو هاول، «قدرت بی‌قدرت‌ان» برای مخاطب ایرانی بسیار جذاب بود و با استقبال خوبی مواجه شد.

آیا امکان‌های داستان‌گویی به انتها رسیده است؟ رمان در عصر سیطره اینترنت، به چیزی فرسوده تقلیل یافته و دیگر نمی‌تواند همپای این جهان پرشتاب حرکت کند؟ در جهان پراشوب ماه، در عصر سرعت، رمان، این یادگار آهستگی و لمس زندگی، چه نویدی می‌تواند برای ما داشته باشد؟

داستان‌گو از آنها می‌خواهد دنباله قصه‌ها را شب دیگر انتظار بکشند و همچون شهرزاد قصه‌های هزار و یک شب می‌خواهد شب‌ها از پس شب‌ها صبوری کنند. اما جوانان این تعلیق و انتظار را نمی‌توانند تاب بیاورند. آنها می‌خواهند زود به پایان خط برسند. آنها آهستگی را خوش ندارند. عاشق سرعت‌اند. آهنگ رمان برای آنها بیش از اندازه کند و طولانی است. این آهنگ قدم‌ها را نمی‌تواند دوست داشته باشند.

میلان کوندرا از معدود رمان‌نویسانی است که افزون بر نوشتن داستان‌هایی ناب، در عرصه ایده‌پردازی و جستارنویسی، از استمرار زندگی رمان دفاع می‌کند و همچنان به انعطاف‌ها و امکان‌های آن امید بسته است. هنوز چیزهایی هست که فقط رمان می‌تواند آنها را بازگوید. من و تو هنوز به این آهستگی محتاجیم.

نویسنده با پیروی از خود کوندرا بر کتاب‌ها و شخصیت‌های داستان او را برای شناخت این نویسنده بررسی می‌کند. از اینرو نام کوندرا در کنار شخصیت‌های رمان‌هایش، بر یک سطح تجربه ثبت شده‌اند: کوندرا، توما، ترزا، ساینبا، شانتال و... به اعتقاد نویسنده، این شخصیت‌ها امتداد کوندرا هستند. زندگی کوندرا از طریق ترزا و توما ادامه می‌یابد یا به تعبیر دقیق‌تر، بازآفرینی می‌شود.

بر این اساس، کتاب حاضر بر رمان‌های کوندرا متمرکز است و می‌کوشد ایده‌هایی را که در آثار متعدد او تکرار شده و انعکاس یافته است را ردیابی کند. نگارنده با پیروی از خود کوندرا آگاه است که هیچ چیز برای شناخت نویسنده معتبرتر از کتاب‌هایش نیست. زندگی نویسنده، کتاب‌های او هستند.

به این نکته می‌توان اشاره کرد که کوندرا یکی از معدود نویسندگان معاصر اروپاست که بار تحول مدرنیته و ماحصل واقعی آن بر دوشش سنگینی می‌کند و سنگینی و سبکی هستی از این منظر را به بهترین و بدیع‌ترین زبان در قالب ادبیات داستانی بیان می‌کند. شاید یکی از دلایل موفقیت جهانی وی را هم بتوان همین زاویه دید دانست. چرا که انسان امروز در هر منطقه‌ای از دنیا به هر حال از مدرنیته و چالش‌های آن با ست و دید انتقادی نسبت به آن متأثر است.

برخی از منتقدان ادبی، آثار میلان کوندرا را رمان‌های فلسفی و برخی این خصیصه را نقطه ضعف آثار او دانسته‌اند. اما آنچه مشخص است، این است که کوندرا در آثارش سؤال‌هایی را مطرح می‌کند و در پیوند با روند قصه، پاسخ‌هایی را بیان می‌کند که حوزه فرهنگی اروپا برای آنها یافته است. این پرسش‌ها گاه آن‌چنان بار معنایی عمیقی می‌یابند که وارد حوزه پدیدارشناسی فلسفی نیز می‌شوند.

نگاهی به داستان «دربارۀ کشتن»

نوشته نسیم مرعشی

صید زندگی در دریا



محمد رضا حیدر زاده

پیرمرد ناخدا سطل طعمه و تور و قلاب‌ها و ابوالفضل کوچک را می‌گذارد توی قایق. ابوالفضل چهار سالش است. چهار دست و پا از روی پستی بلندی‌های کف قایق رد می‌شود. طول قایق را طی می‌کند و می‌نشیند روی دماغه. پاهایش مثل پاهای پرند معلوم نیست به کجای قایق معلق قلاب شده. جزئی شده از آن. تنش با تکان قایق در ریتم همگونی بالا و پایین می‌رود. گردنش چرخیده و نگاهش به دریاست.



ناخدا کنار موتور می‌نشیند؛ ته قایق. استارت می‌زند. صدای موتور، صدای امواج و صدای مرغ‌های دریایی را در خودش فرو می‌برد. چند ثانیه نمی‌گذرد که موتور، آب و شن ساحل را به هم می‌آمیزد و قایق در نقطه تلاقی دو موج موزن که کف می‌کند و از هم دور می‌شوند، رو به افق پیش می‌رود.

بعد از ظهر است و آفتاب اریب می‌تابد. بعد از ناخدا، دیگران هم قایق‌هایشان را یکی‌یکی روشن می‌کنند و رو به آفتاب در دریا می‌روند.

مردهای جزیره که چند ساعت پیش با اولین روشنایی‌های خورشید از صید سحر برگشته‌اند چرتی زده‌اند، در کوچه‌های جزیره قدمی زده‌اند، ناهاری خورده‌اند و بعد از ساعتی معاشرت با دیگران، قایق‌ها را روشن می‌کنند و موج‌موج جلو می‌روند به سمت روزی عصرشان؛ صله دریا...

کتاب «دربارۀ کشتن»، نوشته نسیم مرعشی، توسط نشر چشمه منتشر شده است. نویسنده در این کتاب جدیدش در نقش یک روزنامه‌نگار، گزارش دقیقی از مواجهه‌های خود با مرگ در سفرهایش به دور ایران نوشته است.

این کتاب مجموعه‌ای از روایت کوتاه درباره کشتن است. کشتنی که گاه به صورت امری عادی و روزمره خودش را نشان می‌دهد و گاه به شکل جنایت هولناک سروکله‌اش در روایت‌های کتاب پیدا می‌شود و خواننده را وادار می‌کند از منظری نو به این مسأله نگاه کند...

«نسیم مرعشی» در سال ۱۳۶۲ در تهران متولد شد. مدرک کارشناسی در رشته مهندسی مکانیک دریافت کرد و در زمینه نویسندگی، فیلمنامه‌نویسی و روزنامه‌نگاری فعالیت دارد. او با کتاب «پاییز فصل آخر است»، برنده جایزه ادبی جلال آل احمد در سال ۱۳۹۳ شد. سپس کتاب «هرس» را نوشت که در آن، زندگی دوران جنگ در خوزستان به تصویر کشیده شده است.

در ادامه این داستان می‌خوانیم:

ناخدا موتور قایق را خاموش می‌کند. ابوالفضل با آن بازوهای باریک، لنگر سنگین را برمی‌دارد و می‌اندازد توی آب. هیچ حرفی بین‌شان نیست. همه چیز طبق دستورالعملی نانوشته، بی‌هیچ کلمه‌ای در جریان است. سکوت دریا روی گوش‌ها سنگین است.

ناخدا طناب لنگر را امتحان می‌کند. محکم است. قایق، چسبیده به طناب، گهواره‌ای می‌شود روی آب. ناخدا سطلی را جلو می‌آورد. دست می‌کند در آن و رشته‌های باریک ماهی مرکب را بیرون می‌آورد. هامور و بقیه، ماهی مرکب دوست دارند. ناخدا رشته‌ها را به ظرافت خیاط‌ها با نوک سون مانند قلاب کوک می‌زند و می‌دهد دست ابوالفضل.

ابوالفضل با قدرتی که انتظار نمی‌رود توی بازوهای کوچکش باشد، قلاب را پرت می‌کند جایی که نشان کرده. ناخدا باز هم ماهی کوک می‌زند و هر دو با هم پنج قلاب را دور تا دور قایق می‌چینند و تمام...





• دکتر حسنا محمدزاده
شاعر و محقق ادبیات

نقد مجموعه شعر «در کوچه باغ های اصفهان» از نادر ابراهیمیان

ریشه در آب

است که شاعر به آن تن داده تا با قطارها و جاده‌ها به سمتی ناشناخته سفر کند. «هسته تر بیا بهار! شلوغ است بازار زندگی/ و پاهای پدر آنقدر خسته اند/ که در این ازدحام از پا درمی آیند/ آمدن تو پایان امیدهای واهی به مجزیه‌های خیالی‌ست/ وقتی کاری از دست‌های تو/ برای استخوان‌های فرسوده‌ی پدر بر نمی‌آید/ وقتی تاول‌های دست‌هایش/ در گلوی فرشته‌های شانه‌های من می‌ترکند/ وقتی کنش‌های زهرا و علی نو نمی‌شوند/ و ما فکر می‌کنیم تو/ سخاوت را در کدام خانه‌ی این شهر شلوغ جا گذاشته‌ای؟...»

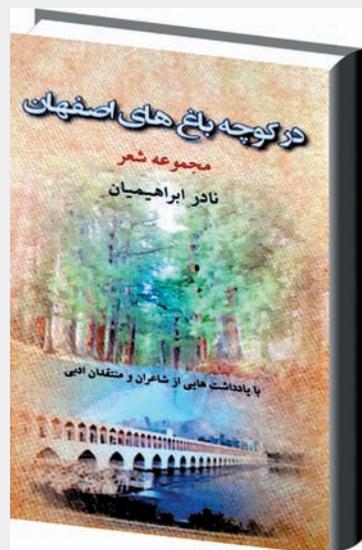
چیزی که در این اشعار در کنار نگاه نوستالژیک شاعر، بارز و غیر قابل انکار است، دل‌زگی از انسان و اجتماع امروز است. او با زیرکی تمام در پرده روایتی خیال‌انگیز به نقد اجتماع و محیط پیرامونش می‌پردازد. اغلب نمادهای اجتماعی با روایتندی و قصه‌گویی همراه اند که از اهداف آن عمق بخشیدن به شعر است و واداشتن مخاطب به تأمل و درنگ در مفهوم. این همان هدفی است که در کاربرد نماد در حوزه سمبولیسم اجتماعی مد نظر است.

«سفر دست‌هایم باز بود/ تمام زمستان‌هایی که گنجشک‌ها/ جیک‌جیکشان را/ به مهمانی خرده‌های نان می‌آوردند/...../ حالا ولی سال‌هاست/ برکت از سفره‌ی دست‌هایم رفته است/ آینه‌هایم شکسته/ سلام‌هایم یخ بسته‌اند/ آواز شرشر نمی‌خوانند نودان‌ها/ گنجشک‌ها، آخ گنجشک‌ها! جیک جیک از دهانشان، پرواز از پریشان، و فکر آسمان از سرشان پریده است.»

در این مجموعه، کم‌نیستند شعرهایی که رویکردی عاشقانه دارند. همان چیزی که در حقیقت جزء تفکیک ناپذیر شعر فارسی را تشکیل می‌دهد و در دوره معاصر، بیشتر به ستایشگری چهره معشوق بدل شده است. اما در عاشقانه‌هایی که در این مجموعه می‌بینیم، ستایش یک جانبه به سمت و سوی رابطه بی‌واسطه‌تری پیش رفته و شاعر با ساده‌ترین و خودمانی‌ترین و صمیمی‌ترین زبان، به گفتگو با معشوق پرداخته است: «می‌توانستم به قلمم فرمان بدهم/ که آرام بزند/ وقتی نام تو را می‌برند/ می‌توانستم به قلمم/ فرمان آزادیابش بدهم/ در تمامی سال‌هایی که اسیرت بود/ می‌توانستم.../ اگر فرمانده مقتدری بودم.»

شاعر مجموعه «در کوچه باغ های اصفهان» با توانایی خاص خود و با تسلط بر صنایع ادبی و صورخیال، توانسته زیباترین جملات را خلق کند و به آنها ماهیت شعرگونه‌ی ببخشد. می‌توان گفت که او در رسیدن به تعادل میان فرم و محتوا توسط عنصرخیال، توانا و موفق بوده است. اندیشه‌های عمیق و نگاه دقیق این شاعر، ریشه در چشمه سار فرهنگ و ادب اصیل ایرانی دارد و تا ریشه در آب است، می‌توان باروری دوچندان را به انتظار نشست.

نمادین دارند و در ورای هر یک، باید در پی حقیقتی دیگر بود. در مقابل، برای شعر «قطار» می‌توان بسیار مصداق‌های مجازی تراشید، ولی نمی‌توان آن را توصیفی از یک واقعیت دانست: «سال‌هاست/ قطاری در سرم ایستاده است/ و در دلم/ ازدحام ایستگاهی بین راهی‌ست/ یا مسافرانی خسته و غمگین/ کجای مسیر زندگی‌ام پیاده شدی؟/ که هیچ قطاری دیگر/ هیچ کس را به هیچ کجای هیچ قصه‌ای نمی‌رساند.» در واقع، رسیدن به چنان بیانی در یک شعر، دشوار است. بسیاری از شعرهای خوب فارسی، همان‌هایی هستند که این خاصیت در آنها یافت می‌شود. من از شعرهای معروف عصر حاضر، مشخصاً به «ای آدمها» از نیمانوشیح، «کسی که مثل هیچ‌کسی نیست» از فروغ، «اسب سفید وحشی» از منوچهر آتش‌ی و «زمستان» از اخوان ثالث اشاره می‌کنم.



این خاصیت در شعر «شعله‌های آبی» از آنجا فراهم شده که شاعر به مظاهر عینی زندگی پرداخته است. در این شعر، انعکاسی از لحظاتی واقعی و ملموس را می‌یابیم که به طرز شاعرانه تصویر شده اند. نگاهی گذرا به اشعار این مجموعه، حاکی از آن است که شاعر وابستگی عمیقی به گذشته و فضاهای نوستالژیک دارد و این وابستگی را به شکل‌های گوناگون به تصویر می‌کشد. از اشاره به سال‌های دور و بچه‌ای که در خیالش می‌تواند با سنگ‌های کوچک کارهای بزرگی انجام دهد تا تاول‌های دست پدر که مثل بغض‌ها در انتظار ترکیدن اند. اشاره‌هایی گوناگون از این دست در این مجموعه، نقشی بالقوه دارند. اینها همه گرایش شاعر را به بازگشت نشان می‌دهند. بازگشت به دورانی که خاطره‌ها نقشی اساسی در آن ایفا می‌کنند و زمان، تنها عنصر ناگزیری

شعر سپید در واقع اقتصاد کلمه است. ظرف وسیعی است که پیکره ندارد و با گزینش کلمات شاعر، شکل می‌گیرد. شعر سپید، فراتر از یک قالب و حاصل خروج از هنجارهای متداول و تثبیت شده در محور زبان است با پایان دادن به عناصری که گاهی قادر به انتقال زیبایی و آفرینش شگفتی نیستند. پس قاعدتاً باید به خلق زیبایی در بطن خود و غنی‌سازی محتوا و بار هنری کلام بپردازد.

شاعر باید خط به خط و کلمه به کلمه، حرفی برای گفتن داشته باشد و با استفاده از چاشنی خلاقیت، به تازگی تصاویر و تعبیر اهمیت دهد. شعر سپید، انقلابی است نفوذ کرده در تک تک سلول‌های شعر فارسی که تمام هنجارهای گذشته را در هم می‌شکند. در این حوزه، هیچ چیز ارزشمندتر از سادگی نیست. آن هم با نگاهی عمیق. اگر شعر را دارای سه عنصر اصلی خیال، اندیشه و زبان و حاصل دنیوی حسی و ادراکی شاعر بدانیم، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را به دو نوع متنی که تنها حاوی احساس صرف است و شعری که علاوه بر احساس، دارای جهان بینی شاعر هم هست، تقسیم کرد.

مجموعه «در کوچه باغ‌های اصفهان» (نشر اکسیر قلم - ۱۳۹۴) اثر دکتر «نادر ابراهیمیان»، مجموعه‌ای با بُعد اندیشگی قوی است که می‌توان آن را حاکی از یک عمر تجربه شاعر دانست. در این مجموعه با اندیشه‌ای منسجم مواجهیم که مانند جورچینی تکه تکه است و هر تکه از آن در برگزیده شعری کوتاه یا بلند در جایگاه‌های «مذهبی، اجتماعی، عاشقانه» است که با در کنارهم قرار دادن شان می‌توان به وحدت ساختاری و اندیشه‌ای عمیق دست یافت.

تازگی و تنوع در حوزه محتوایی اشعار، حاکی از تجربیات گوناگون حاصل از دوران‌های مختلف زندگی است. در انتخاب سطرهای موفق و تأمل برانگیز از میان سروده‌های این مجموعه، کار سختی پیش روی نداریم. در یک بررسی اجمالی به شعر «شعله‌های آبی» برمی‌خوریم که قابلیت مصداق یافتن در حقیقت و مجاز را به صورت توأم دارد.

شاید در آغاز به نظر بیاید که حفظ این دو خصوصیت متقابل، آن قدرها هم دشوار نیست، اما این خاصیتی است که در معدودی از آثار کهن یا معاصر شعر فارسی می‌توان یافت. منظور از این قابلیت این است که شعر از سوی خواننده، هم می‌تواند توصیفی ساده از یک واقعیت باشد و هم می‌تواند کاملاً نمادین باشد؛ وقتی شاعر می‌گوید: «به یاد می‌آورم/ خنده‌های سپید مادرم را/ که یک روز با علاءالدین خانه خاموش شد...» می‌توان تصور کرد که شاعر به راستی از خاموش شدن بخاری و خاطره‌های ساده سخن می‌گوید و فراتر از آن منظوری نداشته است، اما از سویی دیگر می‌توان مدعی شد که همه عناصر موجود در این شعر، حالتی

۱۴۷

از تمام روشنایی‌ها

حمیدرضا شکاری



خوانش شعری از شهرام پوررستم
بازی سرخوشانه در متن

«خرماپزان غروب
بمب‌ها سوت می‌زنند
خاکریزها وصیت می‌نویسند
مین‌ها می‌خندند
مادر از خواب می‌پرد
و همه دمپایی‌ها را به نمکی می‌بخشد.»

شیطنت خاصی در شعر و شاعران هست که در ادبیات داستانی و داستان نویسان، کمتر دیده می‌شود. این واقعیت شاید از آنجا سرچشمه گرفته باشد که کلمه در شعر، نه تنها از ابعاد موسیقایی خود بهره می‌برد (که در متون ادبی نثری کمتر در کانون توجه است)، بلکه عامدانه از وجوه معنایی متفاوت و گاه متضاد خود نیز سراغ می‌گیرد (که کمتر در ادبیات داستانی مورد نظر قرار می‌گیرد).



این شیطنت متن، شعر را چند پهلو می‌نماید. گویا خواننده از هر طرف که به متن شعر نزدیک می‌شود، در می‌یابد که می‌توان از جانب دیگری هم به آن رو آورد و نتیجه دیگری هم گرفت و سویی معنایی دیگری نیز پیدا کرد. در واقع مخاطب مشغول بازی سرخوشانه‌ای با متن و وجوه مختلف معنایی و محتوایی و موسیقایی آن شده است.

در شعر «شهرام پوررستم»، لحن طنزانه متن با فضا سازی جنگی آن در تضادی ساختمان قرار می‌گیرد و اولین قدم را برای بازی سرخوشانه مخاطب در متن برمی‌دارد. انگار شعر می‌خواهد بگوید که من یک گزارش ساده از جنگ نیستم. مخاطب در خط مقدم جبهه‌ای قدم می‌زند که در آن هوا بس گرم است و لابد در جنوب قرار گرفته است.

منطقه‌ای که برای مخاطب ایرانی محیطی آشناست. اشیاء و پدیده‌ها اما آشنا نیستند و هر یک با شگردی خاص، غریبه‌گردانی شده‌اند. بمب‌ها سوت نمی‌کشند، سوت می‌زنند. خاکریزها مجازگونه به جای سربازان، وصیتنامه می‌نویسند. مین‌ها منفجر نمی‌شوند، می‌خندند.

این تمهیدات، ضمن طنزآمیز کردن متن، فضا را به یک بازی مفرح میان کلمات تبدیل می‌کند. اوج شعر اما در پایان بندی درخشان آن فرا می‌رسد. این همه شعر در خواب مادر می‌گذشته است!

و حالا یک بازی دیگر: آیا مادر بر اساس کابوسی که دیده است، دمپایی‌ها را چون اشیایی بی‌فایده به نمکی می‌دهد، چون حدس می‌زند فرزندش در جبهه پای خود را از دست خواهد داد و باز خواهد گشت یا این که همین الان مشغول پرستاری از فرزند جانباز خود است؟ خواننده نمی‌داند، اما مختار است که هر کدام از این گزینه‌ها را انتخاب کند.



شعری از محمود درویش، شاعر فلسطینی

وطن دیگری ندارم
وقتی به تو خیره می‌شوم
کربلا را می‌بینم
و ارواح پیامبران را
زمین را می‌بینم که بر ساحل آسمان می‌چرخند
می‌خندم
به آدمیان
و جهان که زیبایی ات را نمی‌فهمد.

وقتی به تو خیره می‌شوم
تمدن‌های گمشده را می‌بینم
روزگاری سرخ
علت مرگ‌ها را
واژه‌هایی می‌بینم که ثبت نمی‌شوند
مرد شدن یک الهه باستانی را
و شگفتی‌های دیگر را
من مجموعه‌ای از جهان را می‌بینم
که بی‌نام هستند
جز این چشم‌ها

• مترجم: قاسم ساجدی

(از کتاب «چشم‌های دانا مشکی»/ انتشارات فصل پنجم)



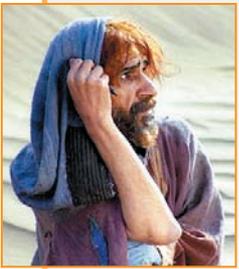
از فرمایشات ما!

۱۱

حرف‌هایی همه کشک! ۱۱-

همچنان با حسین پناهی و کشک!

در نوبت پیشین، صحبت از کشکی بودن دنیا و کشکی گرفتن زندگی شد و ذکر خبری از مرحوم «حسین پناهی» در این راستا به میان آمد که گویی کل دنیا در نگاهش یعنی کشک!... برای آن دسته از دوستانی که از حسین پناهی کمتر می‌دانند، عرض می‌کنم که وی، زاده ۶ شهریور ۱۳۲۵



در روستای لر نشین دژکوه از توابع شهرستان بخش مرکزی شهرستان کهگیلویه بود که خیلی زود به تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۸۳ در تهران درگذشت و رفت او گفتار و کرداری ساده و بی‌پیرایه داشت و همین ویژگی ظاهری، همراه با اندیشه و احساس زلالی که داشت، او را متمایز و محبوب مردم کرده بود.

حرف‌هایش رنگی از فلسفه داشت، می‌گفت: «کارمند به چایی زنده است، هنرمند به تنهایی!» امروز، نصف بیشتر جملات احساسی و اندیشمندانه در فضای مجازی، به نام حسین پناهی امضاء می‌خورد. همینطور الکی و کشکی! انگار مردم نمی‌خواهند باور کنند هنرمند دوست‌داشتنی‌شان در قید حیات نیست!

«مسعود جعفری جوزانی»، نویسنده و کارگردان سینما و تلویزیون و از دوستان صمیمی حسین پناهی نیز نقل می‌کند که یک روز حسین آمد دفتر من و پول لازم داشت. ۱۵ هزار تومان داشتم که به او قرض دادم. همان موقع، آبدارچی دفتر هم بنده خدا آمد و طلب ۵ هزار تومان وام کرد؛ اما من واقعاً پولی نداشتم که به او بدهم. بعد فهمیدم که وقتی حسین از دفتر می‌رود بیرون، پنج هزار تومان از مبلغی که گرفته است، به آبدارچی می‌دهد.»

این روحیات تازه در حالی بوده که از خلقت خود هم به خاطر قیافه‌اش ناراضی بوده و به دوستانش می‌گفته که: «حساس می‌کنم من یک فتوکپی خراب شده از خودم هستم. انگار خداوند موقع پرینت گرفتن، دست‌گاش خراب شده است!»

العیاذ بالله همچین خیال می‌کرده که کشکی آفریده شده است. یعنی به هر جا که می‌رفته، آخر الامر به کشک و امور کشکی برگشت می‌خورده است. به خاطر همین شاید به دوستش آقای جعفری جوزانی می‌گفته که من نمی‌خواهم بیشتر از ۴۰ سال زندگی کنم؛ اما به نظرم عزرائیل هم راه خانه ما را گم کرده، از بس که جابه‌جا می‌شویم!»

قسمت بود که ذکر خبری از مرحوم حسین پناهی بشود. بس که صاف و ساده و زلال، چون رودی گذرا بود. گذاشت و گذشت و رفت. بگذریم، به قول استاد شهریار عاشق‌پیشه:

ما گذشتیم و گذشت آنچه تو با ما کردی

تو بمان و دگران، وای به حال دگران

و اما فعلاً همچنان سخن از کشک است. اما دلیل نمی‌شود که همه حرف‌های ما کشک باشد. تازه، اگر هم کشف شود که همه‌اش کشک است؛ باز هم اشکالی ندارد. چرا که ثابت کردیم چقدر دارای اهمیت استراتژیک و کاربردی است. برای قدیمی‌ها به قدری مهم بوده که «کشک‌سابی»، جزو یکی از مشاغل حساس جامعه بوده است.

با گذشت روزگار و تولید کشک مایع در کارخانجات لبنی، این حرفه سنتی به تدریج حذف گردید. مگر اینکه کسی خودش به صورت خودجوش در خانه‌اش اقدام به کشک‌سابی نماید که خب لازمه‌اش داشتن یک تعار یا تغارچه است و یک دست تمیز شسته شده و مقداری وقت و حوصله در زندگی ماشینی امروز که به تعبیر دکتر علی شریعتی - انسان در اسارت ماشینیسم است. آن خدا بیمار هم علاقه زیادی به کشک داشت. به هر حال خراسانی بود و پای ثابت اشکنه کشک و آش کشک خاله و کشک بادمجون و امثال ذالک! (مرده‌شوی پیتزارا ببرد که بین ما و این غذاها و قضایا فاصله انداخت!)



کوتاه در باب این که امروز چه کسی می‌تواند رضا رفیع باشد؟

• بهروز قطبی - طنزپرداز

«زَر مَفْت» یا «زَر مَفْت»؟ مسأله این است!

که از این نظر آقارضا می‌تواند پروفیسور طنز فارسی باشد. به خصوص آنکه فوق‌لیسانس یا کارشناس ارشد ادبیات فارسی و دارنده دکترای افتخاری طنز از جانب افرادی مانند بنده می‌باشد!

- درست‌نویسی را کاملاً رعایت کند و تا حد ممکن از «تهرونی‌نویسی» و فضای مجازی نگاری، بپرهیزد.

- در طنز شفاهی هم مثل طنز مکتوب، کاربرد و توانا باشد و در پشت میکروفون‌های عمومی و یا پخش مستقیم تلویزیونی، همان‌قدر راحت سخن بگوید که در محافل خصوصی سخن می‌گوید.

- در واگویی طنزپردازانه حکایت‌های معروف قدیمی به زبان طنز تسلط کافی داشته باشد و آنها را به مسائل روز کشورمان به خوبی پیوند دهد. که از آن جمله است حکایت ۲ مرغابی و یک لاک‌پشت کتاب کلیله و دمنه که در کتاب‌های درسی سال‌های قبل هم نقل شده است. - از آثار شاعران بزرگی مانند حافظ برای بیان طنزآمیز رویدادهای امروزین جامعه خودمان به خوبی استفاده و به این وسیله از فسادهای مالی و اختلاس‌ها رونمایی کند!

- در طنزپردازی، حریم خصوصی افراد، حرمت خانواده‌ها و جایگاه شخصیت‌های هنری، ادبی، سیاسی و غیره را پاس بدارد و از ناسزاگویی، فحاشی و زیر پا گذاردن اخلاقیات و کاربرد واژگان مستهجن برای شیرین‌سازی نوشته‌هایش بپرهیزد.

- علیرغم مسائل و مشکلاتی که همه می‌دانیم، چراغش را همچنان در این خانه بسوزاند و با همین مرام با مردم نشست و برخاست کند و در غم و شادی‌های شان شریک باشد.

و ضمناً به عنوان یک نخبه! مغزش را از میهنش فراری ندهد و با مهاجرت به خارج، مورد سوءاستفاده احتمالی و آن هم موقت بیگانگان قرار نگیرد و پس از مدتی با خود نگذرد که: «نه در غربت دلم شاد و نه رویی در وطن دارم!»

و حرف آخر این که بسیار لازم و ضروری است که رضا رفیع در اسرع وقت نام کتاب اخیرش را از «زَر مَفْت» به «زَر مَفْت» و به عبارت دیگر «کسره» کلمه قبل از «مَفْت» را به «فتحه» تغییر دهد.

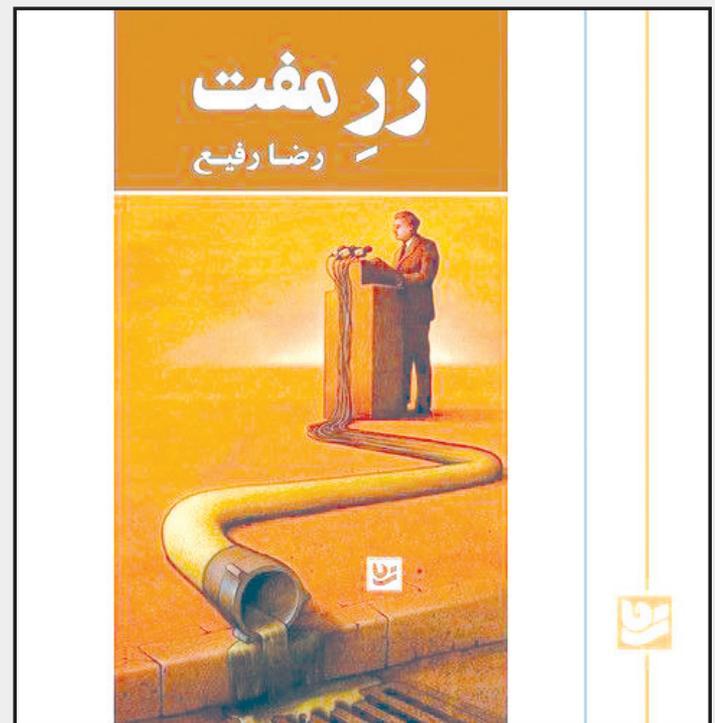
چرا که کتاب آخر او در واقع «زَر مَفْت» است که در این کورسوی طنز و طنزپردازی، مَفْت و مجانی - البته از نظر معنوی - در اختیار مردم شریف و طنزآمیز مین عزیزمان قرار گرفته است.

«گویا» چاپ و منتشر شده و به دلیل استفاده از «کاغذ حمایتی»! به قیمت یارانه‌ای فقط ۱۷۵ هزار تومان ناقابل در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. (حالا خوب است که با کاغذ حمایتی چاپ و منتشر شده؛ لابد در غیر این صورت، قیمتش حداقل یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان می‌شد!)

اگر مینار را صفحه‌های یک کتاب در نظر بگیریم، گمان می‌کنم که رضا رفیع در عمر نسبتاً کوتاهش به اندازه روزهای زندگی‌اش طنز نوشته و چاپ یا بیان کرده، که از این نظر

در میان تمامی هنرها شاید بتوان گفت که کم‌جمعیت‌ترین آنها، طنزنویسی و طنزپردازی است و به همین دلیل، طرح جوانی جمعیت در این هنر هم باید اجرا شود.

حداقل در یک قرن گذشته، بسیاری از نشریه‌های طنز پدید آمده‌اند، اما پس از مدت کوتاهی جوانمرگ شده‌اند و عمرشان را به شما داده‌اند. چرا که حاکمان وقت، طنزهای شان را نپسندیده‌اند و یا طنزپردازان - عالما و عامدا و بعضاً هم سهواً - به گونه‌ای نوشته‌اند که حاکمان وقت، آن را نپسندیده‌اند.



و دیگر نظر‌ها می‌تواند سرمشق طنزپردازان جوان و حتی میانسال و سالمند قرار گیرد. با این حساب، حالا این سؤال مطرح است که در اوضاع و احوال فعلی، چه کسی می‌تواند رضا رفیع باشد؟...

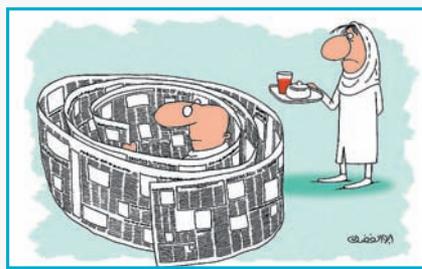
به نظر من، برای رضا رفیع شدن، شرایطی لازم است که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌کنم (و در ضمن از کتابی که شخصاً امضا کرده و به من تقدیم شده و در همان چند خط، از این بنده حقیر تعریف کرده است، خیلی سپاسگزارم!).

و اما شرایط رضا رفیع شدن:

- دانش وسیع و چندبُعدی و تسلط بر ادبیات فارسی، از قدیم‌الایام تا امروزه روز،

بعضی از دوستان طنزپرداز ما - به خصوص در برهه‌ای از زمان - آن‌گونه گفته‌اند و نوشته‌اند که گویا فقط یکی دو روز و یا یکی دو سال برای طنزپردازی وقت و فرصت دارند. گویی آنها خود را به مثابه یک اعدای می‌دانند که با خود می‌گویند بگذار در این آخرین لحظه‌های حیات، هر چه دلم می‌خواهد، خطاب به هر کس بگویم و بنویسم. حال آن که در طنزپردازی هم مانند هر صنعت دیگری باید تاکتیک و استراتژی و به عبارت دیگر، نگاه‌های کوتاه و بلندمدت داشت که یکی از نمونه‌های شاخص و بارز آن، طنزپرداز نسبتاً جوان (!) ما آقارضاخان رفیع است که به تازگی کتاب جدیدش با عنوان «زَر مَفْت» در ۲۴۸ صفحه از سوی نشر محترم

تبسم و تفکر



ابوالفضل محترمی

* متولد ۱۳۵۲ در تهران

* کاریکاتورست فارغ‌التحصیل تئاتر از دانشگاه هنر

* سابقه مدیریت هنری روزنامه جوان

* شروع کار به صورت حرفه‌ای از سال ۱۳۷۰

* با مجله‌های طنز و کاریکاتور و کیهان کاریکاتور

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۶۲ (برابر با ۸ صفر ۱۴۰۲) ۱۴ نوامبر ۱۹۸۳ نقل شده است.

تلاش دشمن برای جابجایی نیرو در جبهه‌های والفجر ۴، پیرانشهر و حاجی عمران سرکوب شد

اطلاعیه شماره ۱۵۴۱ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران بعد از ظهر دیروز بشرح زیر انتشار یافت:
... طی ۲۴ ساعت گذشته تبادل آتش و درگیری‌های محدود در منطقه عملیاتی والفجر ۴ ادامه داشت و نیروهای ما از جابجایی قوای عراقی در این منطقه جلوگیری کردند. در مناطق عملیاتی پیرانشهر، حاجی عمران، بانه و سردشت رزمندگان ما بوسیله، اجرای آتش سلاح سنگین روی مواضع دشمن، فعالیت‌های آنان را سرکوب و چندین قبضه خمپاره‌انداز و تعدادی سنگر اجتماعی و انفرادی صدامیان را منهدم کردند. در جبهه‌های مرزی باختران و ایلام مبادله آتش برقرار بود. رزمندگان پرتوان اسلام در این جبهه‌ها ۴ کامیون حامل نفرات، یک تانک و یک انبار مهمات دشمن را به آتش کشیدند و عده‌ای از قوای عراقی را به هلاکت رساندند.

برای تأمین خسارات وارده به مردم بهبهان و نهاوند ۳۰۰ میلیون ریال اعتبار اختصاص یافت

در هفتاد و هشتمین جلسه ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده در مورد نتایج بررسی طرح‌ها و اعتبارات بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده در سال ۶۳ و همچنین تعیین اولویت‌ها، بحث و تبادل نظر بعمل آمد و تصمیماتی اتخاذ شد.
در ادامه این جلسه مواردی بدین شرح به تصویب رسید: پرداخت ۵۰ درصد اعتبارات بازسازی استان کردستان بمبلغ ۲ میلیارد ریال، پرداخت ۵۰ درصد دوم اعتبارات بازسازی کارخانه «نیک نوش» خرمشهر بمبلغ ۲۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال، بازسازی تاسیسات شرکت دریائی «فولادبر» با اعتباری بمبلغ ۴۹۱ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال، پرداخت ۱۰۰ میلیون ریال جهت تأمین خسارات وارده به مردم نهاوند در حمله موشکی اخیر و همچنین مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال جهت تأمین خسارات وارده به مردم بهبهان بتصویب رسید.

میزان دریافت حواله برنج نوبت سوم اعلام شد

ستاد بسیج اقتصادی کشور طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: عاملین فروش شهری استان تهران شامل عطارد، سقط فروش، خواربار فروش، لبنیات فروش، فروشگاههای مواد پروتئینی، سوپر مارکتهای، و تعاونیهای مصرف محلات که دارای کارت عاملیت قند و شکر بوده و در مراحل قبلی، سهمیه برنج دریافت کرده‌اند و تمامی آنرا بفروش رسانیده‌اند میتوانند از روز دوشنبه ۲۳/۰۸/۶۲ «امروز» لغایت روز پنجشنبه ۲۶/۰۸/۶۲ با در دست داشتن کارت زرد عاملیت قند و شکر و برگ سبز حواله قبلی برنج، به شعب بانک صادرات که عهده‌دار برگشت کوپنها می‌باشند مراجعه و با ارائه کوپنهای مربوط بین ساعت ۱۳ الی ۱۸ نسبت به واریز وجه بابت دریافت حواله برنج نوبت سوم، به شرح زیر اقدام نمایند.

عاملین فروش شهری شامل: عطارد، سقط فروش، خواربار فروش، لبنیات فروش و شرکت‌های تعاونی مصرف محلات، مبلغ ۱۳۹۰۰۰ ریال بابت دریافت حواله‌ی دو تن برنج و فروشگاههای مواد پروتئینی و سوپرمارکت‌ها مبلغ ۴۱۷۰۰۰ ریال بابت دریافت حواله ۶ تن برنج.

قاب امروز



استان گلستان - سرزمین کشت پنبه یا طلای سفید / عکس از: فائزه کابلی - دانشجو

امروز در تاریخ

پایان خشکسالی سه‌ساله در ایران

۴ نوامبر ۴۶۷ میلادی، پس از سه سال خشکسالی شدید در ایران، ریزش باران آغاز شد که یک هفته طول کشید و «پیروز ساسانی» شاه وقت دستور داد که به این مناسبت، از آن پس هر سال در چنین هفته‌ای جشن بگیرند. خشکسالی سه ساله ایران همزمان با هجوم پی در پی اقوام شمال شرقی معروف به هپتال‌ها بود که بالأخره «پیروز» مجبور شد در گرگان برای جلوگیری از دست‌اندازی آنان سدی بلند، همانند «دیوار چین» بسازد که مردم محل بقایای آن را «سد سکندر» می‌گویند.

حمله طغرل به بغداد

طغرل سلجوقی که بسیاری از نقاط ایران را در اشغال خود داشت، ۱۴ نوامبر ۱۰۵۴ میلادی با سپاهی گران روانه بغداد شد و اوایل سال ۱۰۵۵ میلادی این شهر را تصرف کرد.

تحقیر شاه در واشنگتن

آخرین دیدار شاه از آمریکا، ۲۳ آبان ۱۳۵۶ آغاز شد که ضمن آن در واشنگتن با تظاهرات دامنه‌دار مخالفان ایرانی روبرو شده و تحقیر شد و وجهه خود را نزد دولت‌های غرب از دست داد که در تضعیف روحیه‌اش نقش مؤثر داشت. شاه از واشنگتن به پاریس رفت که در آنجا هم با چنین تظاهراتی که وسعت آن قبلاً سابقه نداشت مواجه شد.

درگذشت استاد سعید نفیسی

۲۳ آبان سال ۱۳۴۵، استاد سعید نفیسی پس از پنج دهه تدریس و به یادگار گذاشتن بیش از یکصد تألیف، در ۷۳ سالگی درگذشت. وی که در فرانسه تحصیل کرده بود، نویسنده و پژوهشگری پرکار و خستگی‌ناپذیر بود. استاد نفیسی درباره بسیاری از موضوعات مقاله، رساله و کتاب می‌نوشت؛ از نمایشنامه تا داستان و از تاریخ تا واژه‌نامه و تصحیح متون قدیمی و همین‌طور درباره سیاست.

www.iranianshistoryonthistoday.com

پند بزرگان

هیچ شورشوقی در کار نخواهد بود، وقتی در زندگی کم کاری وجود داشته باشد. کم کاری یعنی نرسیدن به آنچه ظرفیتش را داری.
نلسون ماندلا
من بارها و بارها و بارها در زندگی شکست خورده‌ام و این دلیل موفقیت من است.
مایکل جردن

سرایه

لطفی به کس ای رشک پری نیست تو را
جز رسم و ره ستمگری نیست تو را
ماهی و سر مهر نداری به کسی
خورشیدی و ذره‌پروری نیست تو را
مشتاق اصفهانی

۲۷۰۱

سودوکو

۳	۱	۴	۶		
۴		۹			
	۵	۸	۴		
۹		۳		۴	
		۴	۷	۸	
	۲			۹	۱
			۳	۲	۱
			۲		۵
	۸	۵		۴	۹

غلامحسین باغبان

طراح جدول

۲۷۰۰

پاسخ

۳	۵	۹	۴	۷	۲	۸	۱	۶
۸	۱	۶	۳	۵	۹	۴	۷	۲
۴	۷	۲	۸	۱	۶	۳	۵	۹
۹	۳	۵	۲	۶	۴	۷	۸	۱
۷	۴	۸	۹	۳	۱	۲	۶	۵
۲	۶	۱	۵	۸	۷	۹	۳	۴
۱	۹	۳	۷	۲	۵	۶	۴	۸
۵	۸	۴	۶	۹	۳	۱	۲	۷
۶	۲	۷	۱	۴	۸	۵	۹	۳

۶۲۱۴

شرح لغت

نام سابق شهر	سخت گفتم	بایبر نیکو کار	ص	نت منفی	از عناصر اربعه	تنگه اروپا
اراک	تکلف آمیز	پیمودن	ص	نابود	ترسو بودن	
س						
ط				پسوند زودودن		
انگل، سربار	ظ	آنکه هرگز نیاسود		جودوی چینی	شب بلند سال	د
کلک		برنده خوشبختی				
ح		مقابل مصرف				
گیاه سگ انکور		عصب گشی		نام دخترانه		
چریک				آوارگان		
ک					رود آرام	
لقب حضرت علی (ع)				ثروت		
جای تک بزی						
کمک						
قیمت واحد						
جزیره ها						
ب						
خوب راه						
نصرت						
نامی پسرانه						

*سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲ * ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵

* ۱۴ نوامبر ۲۰۲۳ * سال نوهوشتم * شماره ۲۸۵۳۳

etelaat.com etelaatonline

هشدار صریح واشنگتن به تل آویو

وزیر دفاع آمریکا: اسرائیل از جنگ با حزب‌الله بپرهیزد



وبگاه آمریکایی «آکسیوس» فاش کرد که «لوید

استین» وزیر دفاع آمریکا در تماس با همتای صهیونیست خود، نگرانی واشنگتن را از تشدید تنش در مرز اسرائیل - لبنان ابراز کرد.
استین، از رژیم صهیونیستی خواست از اقداماتی که ممکن است منجر به جنگ همه جانبه بین اشغالگران

و حزب‌الله لبنان شود، اجتناب کند.
استین در این تماس، پیامی را به «یوآو کالانت»

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی ابلاغ کرد که نشان دهنده نگرانی فزاینده در کاخ سفید از عملیات رژیم صهیونیستی در لبنان است.
همزمان «عاموس هوگشتاین» مشاور ارشد «جو بایدن» رئیس جمهوری آمریکا در جریان سفر به لبنان، در پیامی غیرمستقیم به حزب‌الله درخواست کرد که آنها وارد جنگ رژیم صهیونیستی با نوار غزه نشوند.
خبر دیگر اینکه ارتش رژیم صهیونیستی خبرنگاران حاضر در شهرک مرزی «بارون» بین لبنان و اسرائیل را با شلیک دو موشک هدف قرار داد؛ جثاتی که حزب‌الله به شدت محکوم کرد.



مشاور امنیت ملی کاخ سفید اعلام کرد

تمایل واشنگتن به برقراری دوباره ارتباط با ارتش چین

مشاور امنیت ملی کاخ سفید از قصد جو بایدن برای پیگیری برقراری مجدد ارتباط بین ارتش‌های آمریکا و چین خبر داد.
«جیک سالویان» چندروز قبل از آنکه رهبران آمریکا و چین دیدار کنند گفت، بایدن رئیس جمهوری آمریکا خواستار برقراری دوباره ارتباط بین ارتش‌های دو کشور است چون معتقد است که این اتفاق در راستای منافع امنیت ملی آمریکا است.
وی افزود: ما نیازمند برقراری این خطوط ارتباطی هستیم تا اشتباهات، محاسبات غلط و ارتباط غلط وجود نداشته باشند.
سالویان گفت، بازی پیچیده روابط بین ارتش‌های چین و آمریکا ممکن است در هر سطحی اعم از رهبران ارشد تا سطح عملیاتی تاکتیکی و همچنین در حرمین آبی و هوایی حوزه اقیانوس هند- اقیانوس آرام رخ دهد.
گفتنی است بایدن قرار است فردا چهارشنبه با «شی چین پینگ» همتای چینی خود دیداری در حاشیه اجلاس سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه در شهر سان فرانسیسکو داشته باشد.

ضمن درخواست دوباره برای توقف جنگ غزه

پاپ: در کنار فلسطینیان رنج‌دیده هستیم



رهبر کاتولیک‌های جهان درخواست خود را برای پایان دادن به درگیری در غزه تکرار کرد و خواستار کمک‌های بشردوستانه بیشتر به مردم فلسطین در این باریکه شد.
پاپ فرانسیس گفت: اسرایی که در میان آنها ستمدانان و کودکان وجود دارند، باید آزاد شوند و هر انسانی اعم از مسیحی، یهودی و مسلمان در نزد خداوند مقدس بوده و حق دارد در آرامش زندگی کند.
وی اضافه کرد: در کنار فلسطینیان و هر کسی که رنج می برد، هستیم و در این لحظه تاریک، آنها را در آغوش می گیرم و برای آنها دعا می کنم.
پاپ خاطرنشان کرد: سلاح هرگز صلح را به ارمغان نخواهد آورد و درگیری نباید گسترش یابد.
رهبر کاتولیک‌های جهان گفت: باید در اسرع وقت به موجودان در غزه کمک و از غیرنظامیان محافظت کرد و باید کمک‌های بسیار بیشتری برای این مردم خسته ارسال شود.

اخبار

پاکسازی نژادی در «دارفور» همزمان با جنگ داخلی

قتل عام ۱۰۰۰ غیرنظامی

سودانی به دست شبه

نظامیان در ۴۸ ساعت

همزمان با تداوم جنگ داخلی در سودان میان نیروهای ارتش به فرماندهی «عبدالفتاح البرهان» با شبه نظامیان «واکنش سریع» این کشور به رهبری «محمد حمدان دقلو»، معروف به «حمیدتی»، منابع از حمله وحشیانه شبه نظامیان و جنگجویان مسلح وابسته به یگان های «واکنش سریع» این کشور به مناطقی در ایالت «دارفور غربی» و قتل عام بیش از ۱۰۰۰ زن و مرد و کودک سودانی در کمتر از ۴۸ ساعت خبر دادند.

بر اساس گزارش منابع محلی و شاهدان عینی، در حمله شبه نظامیان موسوم به نیروهای «واکنش سریع» سودان و گروه های وابسته آن، فقط طی دو روز بیش از ۱۰۰۰ غیر نظامی شامل زن و مرد و کودک از قوم «ماسالیت» در شهر «آردامتا»، واقع در ایالت «دارفور غربی» کشته شده‌اند.

در چنین شرایطی، اتحادیه اروپا این حمله وحشیانه و قتل عام غیرنظامیان در ایالت «دارفور غربی» سودان را به شدت محکوم کرد و آن را یک «نسل کشی» خواند.
به گزارش رویترز، «جو زپ بول» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در همین راستا طی بیانیه‌ای با استناد به شهادت شاهدان عینی اعلام کرد که این جنایت‌ها بخشی از کارزار نیروهای «واکنش سریع» برای پاکسازی نژادی قومیت ها و نابودی قومیت غیرعرب «ماسالیت» در «دارفور غربی» است.
وی افزود: جامعه جهانی نباید چشم خود را به روی تحولات «دارفور» ببندد و اجازه وقوع یک نسل کشی دیگر در این منطقه را بدهد.
درگیری هایی که سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ در «دارفور» روی داد، جان ۳۰ هزار نفر را گرفت و بیش از دو میلیون تن را نیز آواره کرد.



نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.



نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ضمن تخمین‌آسانی در کورن وضعیت انسانی در نوار غزه، گفت بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده و نمی‌توانند فعالیت کنند.

رئیشی سوناک» نخست وزیر بریتانیا،

خانم سونلا پریرهومن وزیر کشور جنجالی انگلیس را همزمان با آغاز ترمیم کابینه ارشد خود برکنار

کرد. بریرهومن که یکی از مخالفان سرسخت تظاهرات حامیان فلسطین در انگلیس بود، هفته گذشته نیز پلیس لندن را به جانبداری سیاسی در تظاهرات‌ها متهم کرده بود. او چند روز پیش، پس از چاپ مقاله‌ای در روزنامه تایمز که در آن دستورالعمل‌های داوینیک استریت را نادیده گرفته و در آن مقاله، پلیس لندن را به «تعصب سیاسی» در اعتراضات متهم کرده بود، انتقادات گسترده‌ای را برانگیخت. وزیر کشور انگلیس اعلام کرده بود پلیس این کشور می‌تواند در برخی شرایط خاص، کسانی را که پرچم فلسطین در دست داشته یا شعار و نمادها را در حمایت از فلسطین ترویج می‌دهند، بازداشت کند. بریرهومن اعا کرده بود «خیابان‌های شهر لندن برای ارج نهادن تروریسم» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.» وی با

لحن تهدیدآمیزی برخورد بیشتر با معترضان راضوری دانسته بود. خبر دیگر اینکه «دیوید کامون»نخست‌وزیر پریرهومن به‌عنوان وزیر امور خارجه منصوب شد و جای «جیمز کلورلی» را گرفت.

ادامه جنگ از زبان وزیر صهیونیست

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در سخنانی گفت که این رژیم جدول زمانی برای جنگ ندارد و تا با بازگرداندن اسرای صهیونیست، به جنگ ادامه خواهد داد. «یوآو کالانت» که در جمع خانواده‌های اسرای صهیونیست در غزه صحبت می کرد، افزود: به بازگرداندن عزیزانتان چه از طریق عملیات نظامی یا از طریق توافق باقیمت‌ده هستیم. در این حال جنبش حماس ادعاهای رژیم صهیونیستی مبنی بر حضور نیروهای این جنبش در اطراف بیمارستان الشفاء غربی را رد کرد و آن را بهانه‌ای برای گرفتن جان بیماران و نوزادان در این بیمارستان خواند. جنبش حماس تاکید کرد که ما در اطراف این بیمارستان نیستم.



رئیشی سوناک» نخست وزیر بریتانیا، خانم سونلا پریرهومن وزیر کشور جنجالی انگلیس را همزمان با آغاز ترمیم کابینه ارشد خود برکنار کرده بود. بریرهومن که یکی از مخالفان سرسخت تظاهرات حامیان فلسطین در انگلیس بود، هفته گذشته نیز پلیس لندن را به جانبداری سیاسی در تظاهرات‌ها متهم کرده بود. او چند روز پیش، پس از چاپ مقاله‌ای در روزنامه تایمز که در آن دستورالعمل‌های داوینیک استریت را نادیده گرفته و در آن مقاله، پلیس لندن را به «تعصب سیاسی» در اعتراضات متهم کرده بود، انتقادات گسترده‌ای را برانگیخت. وزیر کشور انگلیس اعلام کرده بود پلیس این کشور می‌تواند در برخی شرایط خاص، کسانی را که پرچم فلسطین در دست داشته یا شعار و نمادها را در حمایت از فلسطین ترویج می‌دهند، بازداشت کند. بریرهومن اعا کرده بود «خیابان‌های شهر لندن برای ارج نهادن تروریسم» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.» وی با

لحن تهدیدآمیزی برخورد بیشتر با معترضان راضوری دانسته بود. خبر دیگر اینکه «دیوید کامون»نخست‌وزیر پریرهومن به‌عنوان وزیر امور خارجه منصوب شد و جای «جیمز کلورلی» را گرفت. این گزارش، فعالیت ۲۲ بیمارستان و ۴۹ مرکز درمانی غزه متوقف شده‌است و جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بخش مراقبت‌های ویژه، ساختمان عمل جراحی و بخش زایمان بیمارستان الشفاء را بمباران کرده‌اند. بنابر گزارش شبکه الجزیره، در گزارش دفتر اطلاع رسانی دولت غزه آمده‌است که دو نوزاد نارس نیز به دلیل نبودن امکانات و امدادرسانی در بیمارستان جان باختند. یک منبع پزشکی نظامی یا از طریق تایید نشده‌است. در این حال جنبش حماس ادعاهای رژیم صهیونیستی مبنی بر حضور نیروهای این جنبش در اطراف بیمارستان الشفاء غربی را رد کرد و آن را بهانه‌ای برای گرفتن جان بیماران و نوزادان در این بیمارستان خواند. جنبش حماس تاکید کرد که ما در اطراف این بیمارستان نیستم.

رئیشی سوناک» نخست وزیر بریتانیا، خانم سونلا پریرهومن وزیر کشور جنجالی انگلیس را همزمان با آغاز ترمیم کابینه ارشد خود برکنار کرده بود. بریرهومن که یکی از مخالفان سرسخت تظاهرات حامیان فلسطین در انگلیس بود، هفته گذشته نیز پلیس لندن را به جانبداری سیاسی در تظاهرات‌ها متهم کرده بود. او چند روز پیش، پس از چاپ مقاله‌ای در روزنامه تایمز که در آن دستورالعمل‌های داوینیک استریت را نادیده گرفته و در آن مقاله، پلیس لندن را به «تعصب سیاسی» در اعتراضات متهم کرده بود، انتقادات گسترده‌ای را برانگیخت. وزیر کشور انگلیس اعلام کرده بود پلیس این کشور می‌تواند در برخی شرایط خاص، کسانی را که پرچم فلسطین در دست داشته یا شعار و نمادها را در حمایت از فلسطین ترویج می‌دهند، بازداشت کند. بریرهومن اعا کرده بود «خیابان‌های شهر لندن برای ارج نهادن تروریسم» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.» وی با

در شمال شرق دیرالزور رخ داد

حمله موشکی و پهپادی به پایگاههای آمریکا در سوریه با ۴ کشته

منابع رسانه‌ای از حمله موشکی و پهپادی مقاومت به دوپایگاه نظامی آمریکا در سوریه و کشته شدن چهارنظامی آمریکایی وزخمی شدن شماری دیگر از آنها خبر دادند.
به گفته این منابع، پایگاه نظامیان آمریکایی در شمال شرق دیرالزور و پایگاه آمریکایی‌ها در الشدادی در شمال شرق سوریه در پاسخ به حمله هوایی آمریکا به دو شهر «المیادین» و «البوکمال» خبر دادند.
«لویداستین» وزیر دفاع آمریکا هم از حمله کشورش به دو نقطه در مرز عراق و سوریه در واکنش به حملات نیروهای مقاومت به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه خبر داد و گفت: این حملات شامل یک مرکز کنترل فرماندهی و ابزار تسلیحات در نزدیکی شهرهای المیادین و المیادین در سوریه بود.
به گفته وی، جو بایدن اولوتی بالاتر از پاسخ به حمله علیه نظامیان آمریکایی ندارد. این سخنان در حالی است که رسانه‌های محلی، روایتی متفاوت از وزیر دفاع آمریکا در خصوص این حمله گزارش دادند و نوشتند در حمله هوایی آمریکا به شهر المیادین، یک منزل مسکونی هدف قرار گرفت که موجب شهادت یک شهروند و مجروحیت یک نفر دیگر شد.
شبکه المیادین نیز به نقل از منابع میدانی نوشت: در پاسخ به حملات هوایی آمریکا به دو شهر المیادین و البوکمال در دیرالزور، پایگاه نظامیان آمریکایی در میدان گازی «کونیکو» در دیرالزور و پایگاه آنها در الشدادی سوریه هدف حملات شدید موشکی قرار گرفت.
به گفته این منابع، مقاومت مردمی ۱۵۱ موشک، پایگاه آمریکادر میدان گازی کونیکو و مقر فرماندهی آن را هدف قرار داد و کمتر از ۱۰ دقیقه پس از این حمله، بالگردهای آمریکایی از پایگاه کونیکو بلند شدند که به احتمال زیاد، زخمی‌های این حمله را از پایگاه خارج کردند.
المیادین گزارش داد: حمله موشکی به پایگاه آمریکایی کونیکو با موشک‌های پیشرفته گراد صورت گرفت و موجب کشته شدن چهار سرباز آمریکایی شد.

اخبارخارجی

پایان کار نامزدی که ایران را تهدید به حمله نظامی کرده بود

کناره گیری نامزد ضد ایرانی جمهوری‌خواه آمریکا



«تیم اسکات» نامزد جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که در مناظره اخیر، ایران را تهدید به حمله نظامی کرده بود، از کارزار انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ انصراف داد.
«تیم اسکات» نماینده ایالت کارولینای جنوبی در مجلس سنای آمریکا و نامزد جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری اتیاین کشور از رقابت کناره گیری کرد و رسانه‌های آمریکایی دلیل انصراف این ستار، راناتوانی او برای جذب آرا و مخاطب اعلام کردند.
اسکات که تنها ستاروس سایهوست راناتوانست جمهوری خواه آمریکایی است، به رغم تلاش چندماهه در کارزار انتخاباتی خود نتوانست در نظرسنجی‌ها وضعیت مطلوبی کسب کند.
وی که مواضع تندى علیه ایران دارد، مدعی شده بود: «به بایدن می گویم اگر می‌خواهید جلوی حملات به نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه را بگیرید، باید ایران را بنویزد و عملاً سراسر مار قطع کنید چون سراسر مار ایران است، نه گره‌های نیوی‌اِش.»

تحولات نوید بخش در توسعه

اقتصاد دریایی

دکتر بهرام امیراحمدیان

کارشناس سیاسی

###

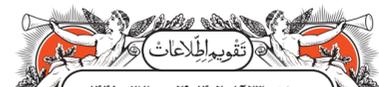


۱۳۰۵

سال
نود و هشتم

- صاحب امتیاز:** شرکت ایران‌تاپ (مؤسسه اطلاعات)
- مدیر مسئول :** دکتر سید عباس صالحی
- سردبیر:** دکتر علیرضا خانی
- نشانی:** تهران، بلوار میرداماد، خیابان مصدق جنوبی ساختمان اطلاعات - کد پستی (۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ تهران)
- پست تصویری تحریریه:** ۰۲۲۲۵۸۰۲۲ **تلفن:** ۲۹۹۹۹۰۲۲
- نمابر آگهی ها:** ۰۲۱-۲۲۲۵۸۰۱۹
- تلفن پذیرش آگهی‌ها:** ۰۱-۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
- نشانی اینترنت:** ettefaat.com, ettefaatonline.com
- پست الکترونیکی:** ettefaat@ettefaat.com
- مشور اخلاقی:** www.ettefaat.com/ftp/manshoor.pdf

ettefaatonline
ettefaat.com



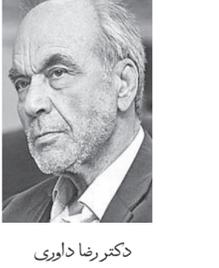
سه شنبه ۲۳ آبان ۹۴۰۲ <p>۱۴ فروردین ۱۴۴۵</p>	
ظهر شرعی	۱۱ و ۴۹ دقیقه
غروب آفتاب	۱۶ و ۵۸ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۱۸ دقیقه
نیمه شب شرعی (بازان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۰۶ دقیقه
اذان صبح فردا	۵ و ۱۳ دقیقه
طلوع آفتاب فردا	۶ و ۴۰ دقیقه

گفتگوی منتشر شده با دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

محمد صادقی

سنگ‌هایی که کتاب «زندگی، عشق و دیگر هیج» را می خواندم، گاهی به یاد کتاب روزها و گفته‌ها و ناگفته‌ها می‌افتادم. در این کتاب هم از خود و سرگذشت تان می‌گویید، و هم از سویی این مجموعه به نظر من در فهم بخشی از تاریخ معاصر کشورمان بسیار به‌کار می‌آید. در آثار قدری دربارهٔ معنای زندگی صحبت کنید.

من در کتاب «زندگی، عشق و دیگر هیج» می‌بایست بر وفق سؤال جواب می‌دادم. گذشته از آن، زندگی من همان زندگی بوده است و هر چه در این باره گفته شود، از همان مقوله است، مگر آنکه توضیح اضافه تری، ضرورت داشته باشد. دربارهٔ معنای زندگی حرفی را که داشتم، در همان کتاب «زندگی، عشق و دیگر هیج» زده‌ام. البته حرف دربارهٔ زندگی تمام شدنی نیست. ما همین یک چیز دست ماست. آن همه اختراع، کشف، هنر و همه چیز بر گرد آن می‌گردد. زندگی به ما داده شده است، بی‌آنکه در آموختن دست‌یابی داشته باشیم. ولی اکنون که آمده، باید آن را پاس بداریم. حرف بر سر چگونگی آن است. هدف زندگی در هر چه آن را باوروتر کردن است. درازای آن در دست ما نیست، ولی پهنای آن که همان «کیفیت» آن باشد، در دست ماست. آن همه اختراع، کشف، هنر و تلاش معنوی که بشر در طی تاریخ کرده است، برای چیست؟ برای آنکه تقص و جودی خود را به کمترین حد فرود آورد. همه در جستجوی یک «ناگجایا» هستند، و آن این است که کیفیت رابه کوتاهی عمر پیوند دهند. این نقص وجود ناشی از فاصله میان جسم و جان است که پر کردن آن، همه کشفکنش و کوشش زندگی رابه خدمت می‌گیرد. چراشیر مقام می‌خواهد، ثروت می‌خواهد، شهرت می‌خواهد، تعین و اعتبار می‌خواهد؟ برای آنکه در زندگی احساس تنهایی و بی‌پناهی دارد، می‌خواهد که هر یک از آنها به پناهی او بپیوندد. چرا احساس بی‌پناهی دارد؟ برای آنکه آرزوهای او با امکاناتش خوانایی ندارد.



رئیس پیشین فرهنگستان علوم

استادان فلسفه اسلامی چندان علاقه‌ای به تاریخ فلسفه نداشتند و بیشتر به بحث در مسائل فلسفه می‌پرداختند و آنها حتی شاید علاقه‌ای به جزئیات آراء و اقوال همه فیلسوفان نداشته؛ چنان‌که وقتی من در مجلس همکارانم در دانشگاه، مختصر فلسفه فارابی را گزارش دادم، آشنایان فلسفه اسلامی گفته‌های مرا چندان نپسندیدند و بعضی از آنها را ناشی از اشتباه و سوءفهم دانستند؛ وقتی هم که معلوم شد گزارش من درست است، همچنان بی‌اعتنا ماندند! درآن کنفرانس، من فارابی را مؤسس فلسفه اسلامی خواندم. مرحوم آقای محسن مهدی آن را تصدیق کرد و مدتی بعد نیز مقاله‌ای در باب تأسیس فلسفه اسلامی نوشت. آقای دکتر نصر هم تأیید کردند. دیگر هیچ‌کس در این باره چیزی نگفت و سخن من عادی تلقی شد. در این اواخر دیدم این گمان پیدا شده است که من این مطلب را از «کتاب المله» و «کتاب الحروف» فارابی به تصحیح محسن مهدی رادر اختیار گذاشته‌اند ولی آثار این استاد گرامی را در آن زمان هنوز محسن مهدی اثر خود دربارهٔ فارابی را نخوانسته بود. در زمان انعقاد کنفرانس هزار و صدمین سال ولادت فارابی، مشغول گردآوری مطالب بود و بعد پس از تأسیس فلسفه سیاسی اسلامی، گفت که من تا سده‌های گذشته به طور کلی در جهان اسلام؛ ولی چه کنیم در حد من تحریم شده نیست که حتی یک نظر عادی بی‌اهمیت اظهار کرده باشم و به من منسوب باشد. آن را هم باید به دیگری نسبت داد! این مهم نیست، مهم آنست که معنی فلسفه در دوره اسلامی رادرنیافتند و در بهترین صورت، آن را امری که مایهٔ مفارقت است، تلقی کردند؛ ولی من بی‌خواستم بدانم فلسفه‌ای که ما داریم، چگونه آغاز شده و قوام یافته است.

پیش از نظم جهان و قرار و مدار آن

این قضیه تحریم رابه صورتی دیگر بیان کنیم. چیزی که از اول باعث مخالفت ما من و تخر بیم شده است، مطلب سیاسی نیست، بلکه سیاست را بهانه کرده‌اند. من با هیچ سیاستی موافقت و مخالفت نکردام و به رسم اهل فلسفه، از نظم جهان و قرار و مدار آن پرسیدام و می‌پرسم. پیداست که جهان کنونی وانگدیشهٔ رسمی‌اش این پرسش رادوست نمی‌دارند. هیچ جهانی نمی‌خواهد از مبادی و مبانی‌اش پرسند و در این مبانی و اصول چون و چرا کنند. اصول و مبادی هر جهانی بایدپی‌چون و چرا مورد قیود باشد و کسی از این قبول سر نرنانید و اگر سر برافت، مستحق مجازات است. این جهان هم اصول و شئون و مقوم‌هایی دارد که مخالفت با آنها در حکم کفر است و مگر در زمان ما کسی حق دارد دربارهٔ علم و تکنولوژی چون و چرا کند؟!

نظریه به‌طور موجودات هم دیگر یک نظر به علمی

اجتماع و طبیعت اجازه نمی‌دهد که هر چه رامی‌خواهد، به‌دست‌تورد. او برای آنکه دامنه دستاورد خود را گسترش دهد، تقص و جودی خود را کمتر کند، می‌آویزد به علم، به هنر، به عشق، به اندیشهٔ دینی باعرفانی… برای آنکه تسلائی خاطر بیابد. حتی بایداندرک که دست به خونخواری و ظلم بزند، یا بر عکس در راه عقیده‌ای جانفشانی کند. همه اینها برای آن است که به ندای زندگی جواب داده باشد. ما ناکارگریزم که این بار زندگی را تا به آخر برسانیم. چون با دنیای بیرون در تناقض قرار می‌گیریم، عوامل دیگر را به کمک می‌گیریم که این بار را سبک‌تر کنند. گاهی آدم به یاد این حرف مولانا می‌افتد که می‌فرماید:

وز خیالی ناشمان و ننگشان خوبی و بدی قراردادای است. این درون انسان است که یکی از آن دورابه‌کار می‌گیرد، تا از آن رضایت خاطر حاصل کند. **در کتاب «کلمه‌ها: خود را مدیون فرهنگ و تمدن غریب دانسته‌اید و می‌فرمایید که دانش غریب در بارشناسی فرهنگ و تمدن انسان ایران بسیار به شما کمک کرده است. کشتل دور پیش‌از ما؛ یکی این که مواجعهٔ خردمندانه با فرهنگ و تمدن غریب چگونه باید باشد؟ دوم این که از نظر شما دلایل انحطاط در هننگ ایران در چند سده اخیر چه بوده است؟**

بله، من گفتم که به فرهنگ غرب مدیونم،



برای آنکه این فرهنگ مرا در شناخت بهتر فرهنگ خود کم کمک کرد. از آمیختگی فرهنگ شرق و غرب بود که توانستم در سایهٔ آن، دنیارا ببینم. تفاوت دیدگاه شرق و غرب از آنجا ناشی می‌شود که از ماده و معنا به کمک یاد اولویته داده شود؟ یعنی مدار زندگی رابر کدام یک استوار ببیند. البته این ماده است که زندگی رابر سر پا نگه می‌دارد؛ ولی به محض آنکه زندگی بر سر پا بود، نیاز به یک تکیه‌گاه معنوی احساس می‌شود؛ یعنی چیزی منکی بر جسم، ولی فراتر از جسم، که اگر زندگی فاقدآن بشود، البته ادامه می‌یابد، ولی تا حد حیوانیت فرومی‌افتد. غرب‌گرایی و غرب‌گرایی ناشی از افراط‌گری در اتخاذ یک دیدگاه است که نوع پیشرفته‌ان به نصیب سر می‌زند، و باز مولوی می‌فرماید:

سختگیری و تعصب خامی است حاجت می‌توان به دید انتقادی نگاه کرد؛ ولی نفی جنبه‌های مثبت آن، نوعی جهت‌گیری می‌شود که شایستهٔ انسان صاحب شعور نیست. تمدن غرب که با تکنیک غرب همراه است، بر دنیای امروز سیطره دارد. اگر ما بخواهیم خود را از آن بی‌نیاز ببینیم، باید برویم جوقی شویم و در گذشته‌های پیشینیم؛ ولی با دید انتقادی نگریستن چیز دیگری است. از سوی دیگر غرب‌گرایی مفرط هم سر به گمراهی می‌زند. اولاً، برای آنکه معلوم



دنیا را در آمیختگی فرهنگ شرق و غرب دیدم

«<<<>>>»

استاد اسلامی ندوشن که آشنایی درازمدتی با فرهنگ‌های شرقی و غربی داشت، بر آن بود که غرب‌گرایی و غرب‌ستیزی، ناشی از افراط‌گری در اتخاذ یک دیدگاه است که نوع پیشرفته‌آن به تعصب سر می‌زند. به تمدن غرب می‌توان به دید انتقادی نگاه کرد؛ ولی نفی جنبه‌های مثبت آن، نوعی جهت‌گیری می‌شود که شایسته نیست. گفتگوی منتشرنشدهٔ زیر قبیل از سفر استاد به کانادا (پایان اردیبهشت ۱۳۹۰) انجام شده است



نیست که غرب در همه شئون حق داشته باشد، تا یک غیرغربی بخواهد مثل او شود؛ ثانیاً، خود را عاری کردن از ویژگی‌های ملی و خود را یکباره به تجدد سپردن، کار آسانی نیست؛ بنابراین یک راه باقی می‌ماند و آن «انتخاب» است، یعنی فرهنگ خود را پاس داشتن، از نیاز زمانی هم غافل نماندن. اما انحطاط فرهنگی ایران در چندسده اخیر؛ نمی‌دانم آیا می‌شود نام آن را انحطاط گذارد، بیشتر می‌توان نام آن را نوعی «سردرگمی فرهنگی» گذر که بر اثر برخورد تجدد با سنت پیش آمده است. دورهٔ قاجار یک دوره رکود بود. بعد از آن هم ما تجدد را پذیرفتیم، ولی هنوز نتوانسته‌ایم خود را با آن سازگار کنیم. اخذ تمدن فرنگی به صورت شتاب‌زده بوده است؛ بنابراین تنها سطح آن پذیرفته شده و به عمق راه نیافته است.

موضوع دیگر آن که ایرانی در ذات خود هم تجدد دوست است و هم سنت‌پرست، و این دو حالت دوگانه‌ای برای او پیش آورده است که باید راه سازگاری برایش جست. افزایش جمعیت کشور و افزایش تعداد جوانان همراهِ است، و سامان خاصی می‌طلبد. یک نتیجه‌اش آن است که کمیت بر کیفیت غلبه می‌کند. هم‌اکنون دانشگاه در قصبه‌ها هم ایجاد شده و در دسترس است. ما می‌توانیم در همهٔ آنها جنبهٔ کنی آموزشی بر جنبهٔ کیفی آن چربیده، فردا با آن همه



تجدد را

پذیرفته‌ایم،

ولی هنوز

نتوانسته‌ایم خود

رایا با آن سازگار

کنیم. اخذ تمدن

فرنگی به صورت

شتاب‌زده بوده

است؛ بنابراین

تنها سطح آن

پذیرفته است.

و به عمق راه

نیافته‌است.

ایرانی در

ذات خود هم

تجدد دوست

است و هم

سنت‌پرست،

و این حالت

دوگانه‌ای برای

او پیش آورده

است که باید راه

سازگاری برایش

جست

کنیم. اخذ تمدن فرنگی به صورت شتاب‌زده بوده است؛ بنابراین تنها سطح آن پذیرفته شده و به عمق راه نیافته است.

موضوع دیگر آن که ایرانی در ذات خود هم تجدد دوست است و هم سنت‌پرست، و این دو حالت دوگانه‌ای برای او پیش آورده است که باید راه سازگاری برایش جست. افزایش جمعیت کشور و افزایش تعداد جوانان همراهِ است، و سامان خاصی می‌طلبد. یک نتیجه‌اش آن است که کمیت بر کیفیت غلبه می‌کند. هم‌اکنون دانشگاه در قصبه‌ها هم ایجاد شده و در دسترس است. ما می‌توانیم در همهٔ آنها جنبهٔ کنی آموزشی بر جنبهٔ کیفی آن چربیده، فردا با آن همه

گناه سخن خلاف مشهور! /بخش ششم



سازمان‌های بوروکراتیک و مهمتر از اینها، از طریق پژوهش‌ها و تعالیم اروپائیلینست به جهان قدیم وارد شده‌است و می‌شود. این خرد، خرداقبایی و آموختنی است و از عهدهٔ ادای کار خرد یافتنی برنمی‌آید و قدرت این خرد را ندارد. متوجه باشیم که خرد تاریخی را با عقل و هوش شخصی اشتباه نکنیم. «خرد تاریخی» قوه‌ای از قوای نفس آدمی نیست، بلکه به جهان فراطبیعی دارد و با درجات قوت و ضعف در فضای زندگی و فکر و علم و عمل و در زبان و روابط مردمان تحققی می‌یابد و ظاهر می‌شود و آن را با هوش و درک روان‌شناسی اشتباه نباید کرد. هوش روان‌شناسی از هر خردی می‌تواند تمایز کند و اکنون تابع خرد جدید است. عقل جهان جدید به صورت فرهنگی ظاهر شد که پرورندهٔ علم و سیاست جدید؛ بوروکراسی و به‌طور کلی نظم‌های زندگی مدرن بود؛ اما این عقل در مناطق بیرون از حواصی زندگی مردمی؛ شمالی (به جز ژاپن که یکباره به همه شئون تجدد توجه کرد)، صورت سازنده و هماهنگ‌کننده امور نداشت و مردمان و فق‌فعال آن را در خود نیافتند که با آن نظم و سازمان‌سازند و بنیادهای تمدنی بگذارند، بلکه عقل و تفکر خرد جدید است. عقل جهان جدید و سیاست جدید؛ و عیب و درد بی‌درمان دارد، بلکه به فرهنگ و روشنگری و علم هم که می‌رسیم، مشکل ما داریم. روشنفکر جهان توسعه‌نیافته شاید کم و بیش علم و سیاست و جامعه بداند؛ اما نمی‌توان به جرات گفت که ظرافتی هست که باید به آنها توجه کرد. خرد جدید که بر خرد قرون وسطی قیافتی آمده است، در مواجهه با جهان جدید آن را مستقیماً نمی‌کند و بیشتر می‌کوشد آن را متعلق به گذشته و بی‌اثر بداند و در این راه، تا حدودی به مطلوب خود نیز رسیده است؛ اما چنان نیست که خرد جدید در نظام جهان قدیم وارد شود و چنان که در دورهٔ رنسانس اتفاق افتاد، جای خرد قدیم را بگیرد. خرد جدید در صورت علم و تکنولوژی و کالاهای مصرفی و

یادداشت‌های روزانهٔ جلال آل احمد

به‌کوشش محمدحسین دانایی

بخش چهل و یکم

صبح امروز از مدیر هتل یک چک پنج‌لیراهی خرد کردم به چهل لیر لبنانی و تا به حال یازده تایش خرج شده، معلوم نیست کجا و چار دیروزم غروب فرداگاه بغداد بودیم و منظره بغداد از بالا و دید شبانهٔ بیروت و بعد حاجی هائی (دوتا) که در طیاره همسفرمان بودند با هم‌بین نیمه‌زیان، مترجم و منشی‌شان شده

بودیم و ابراقشان را بر می‌کردیم و جوانکی (مختاری) نام از وزارت پست و تلگراف که لندن می‌رفت و سه دست در شطرنج‌ماش کردم، با هم‌بین نیمه‌بازی که بلدیم، او هیچ بلد نبود. و بعد هم «سیمین» دست‌آخر حالش به هم خورد، با اینکه نمی‌خورد و نه نانی و نه هیچ چیز دیگر، ولی نزدیک‌های بیروت خیلی تکان داشت و خدابدهد برگت دوسه بار حتی خودحقیق هم ترسید. با اینکه نام به روی خودش نمی‌آورد، اما بوضی وقتها احساس می‌کردم که روی آسمان معلقم و کارمان بستگی به چچار تاپروانه دارد. و بیروت که رسیدیم، دکتر آمد بالا و از اول تا آخر همه رادرجه‌تنباندنوی دشمنان و تا مطمئن شد که هیچ کدام آفتلون‌زاننداریم، اجازه‌پیداه شدن نداد. و بعد گمرک که به راحتی گذشت و چمدان‌ها را همانجا گذاشیم و بعد وشرفر عصبانی پدروخته‌ای آن وقت نصف شب معلوم نبود اوقاتش که از تلخ‌است و یک مردک فرانسوی گل… که اگر به گوشه‌چمدان یا بارانی‌اش چپ نگاه می‌کردی، یا فوت می‌کردی، کله‌ات را می‌کند و مثل سکی که چشم به دنبال استخوان پاره‌اش دارد، آنها را می‌پایند و یک جوان امریکائی و زنش که ژاپونی بود و بچه‌شان که با چشم ولبیوی ژاپونی و لوله‌جهٔ امریکائی، اما با فرسهٔ فارسی سرخ‌سکش را می‌گرفت که توی یک سبد تپاننده بودند و نام‌روژهٔ می‌کشید و پدر و مادر احمقش، یعنی صاحبانش، نمی‌فهمیدند که گاه به گاه باید صحنای بدهند و وجود خودشان را به رخ

اوبکشند که بار آن زندان را بیاورد و الخ. دیشب فقط سه ساعت خوابیدیم، از سه تا شش صبح، اما امروز بعدازظهر به ضرب‌بم‌بم‌طرش… که شش لیره‌لبنانی تمام شده است به خرج جیب مبارک، و توانستم سه ساعتی بخوابم؛ از یک تا چهار. و دیشب علاوه بر خستگی و غیره، هنوز فاز آدمدم‌توی اطاق می‌آمد و روی دیواره سیاه پرده را می‌لنداخت. مثل فلز کوفه‌راه است که آلان جلوی روی تپ‌کشتی و اطاقمان هم گرم و پرپر و صدا، سر یک چهارپاره، و حالا ناچار پناه آورده‌ایم به سالون مهمانخانهٔ همین این اباطل‌الرتجائی می‌نوسانم. و حالا کمی ختک بشود، باید برویم دنبال ادارهٔ پست بگردیم و چند تا کارت پستال بفرستیم. و دیشب آسمان از پنجره طیاره عجب زیاده‌باید. سخت‌ای است (سنت‌اکرتیوی) افتادم و باطیلسش، و از بغل کوش موتور، از پشت پروانه‌ها، چنان آتشی درمی‌آمد! تماشاائی و انگار وسط زمین و آسمان ایستاده‌ای.

پنج‌شنبه ۱۳ تیر ۱۳۳۶، صبح. اندر قارفاک فرانسن در راه زم‌روی مدیترانه

آلان ده دقیقه است که راه افتاده‌ایم، از بیروت و سه سمت زم و اگر لنگی در کار نباشد، قرار است ۵/۵ ساعته به زم برسیم. خدا عالم است.

فردگاه بیروت با اینکه تازه ساز است و عریض و طویل، خر توری بود که آن سرش نبایدد کتاپ خوب خوابیدیم و استراحت کردیم و حمام هم که این چندروزه کتاپ گوشمان بود و حالمان را جالبورد. اما مه‌آبادی نماندیده و خاک‌کخورده، خوب و وقتی سفار می‌ماندیم.

شب قبل، یعنی دیشب، سوار تراموای بیروت شدیم و عجب راه درازی می‌رفت، تمام سراسر شهر را و خنده‌دار این بود که صندلی‌های صحری‌اش، قروشی بود و ایستاده‌یاصندلی‌های چوبی‌اش، پنج‌قروش. خیلی خنداندن‌مان، «بیبلیوس» که در دیروز رفتیم و حالا که از بیروت تا فردگاه آمدیم و بعد هم از آسمان، می‌شود گفت که نصف لبنان را دیدیم. شهر مهمانخانه‌ها و ویلاز و سیدر و دودصد چندان کوسموپولیت‌تر

از شهرهائی که تا به حال دیده‌ام. فقط سیاه‌ها (زن و مرد) بودند که

پسته‌شامی کنار خیابان بومی دادند و می‌فروختند. ارمنی زیاد بود و از

یک کلیسای در دست ساختمانشان دیدن کردیم.

آلان از پنجرهٔ قفراهراد دیوست. سیمصدمتری زیر پدست به پنبه‌هائی می‌مانند که تکه‌تکه از دم کمان حلاج‌ها پخش می‌شود. درهٔ مشر، مثلاً، شاعرانه‌نوشتم. دریا هم پیدا نیست. آسمان است و خلخ و همین ابرها در افق خط‌کناره دریا هم پیدا نیست. فقط از یک جائی، رنگ آبی روشن آسمان تیره می‌شود و لایند ریاست. فقط حیف شد که در بیروت ویلاز نرفتم. لباس‌های شامان توی چمدان‌ها بود و در گمرک گذاشته‌بودیم، اما در عوض یک بطر ش… خوردم که اول قوراد از جیب مبارک بردارم. بعد معلوم شد به خرج «شرکت افرانس» درآمده است. زهی سعادت.

ش… سفید و دیشب لبنانی بود و آن بطری‌های عیال‌واری.

از چهل لیر لبنانی که در دیروز صبح در ازای پنج لیرهٔ استرلینگ (چک) خرد کردم، امروز صبح فقط «الیرش» مانده بود که در فردگاه به پول ایتالیائی بدل کردم. ۱۷۰۰ خرده‌ای لیر ایتالیائی شد، از آن اسکاس‌های فزانت و قد و نیم‌قد. سلوغ‌تر از تهران ندیده بودیم و حالا اولین بار است که گذاشته‌اند، از آن دسترس‌آب و باد خاک و آفتاب، و در قیرهاشان نماند. اختلافی که با مال محامش‌های ایران ساز داشت، این بود که هر یک طرفش، یعنی سروتهش، دوداستهٔ بزرگ گذاشته بودند که طناب ببینند (لایذ) ویلا و واپایش کنند.

والان درایم از روی قبرس می‌بریم، با جاده‌های خن‌مانند خاکی و آب‌آبادی‌ها که فقط رنگ خاک را تغییریه داده و تکه‌های موزائیک‌مانند قمریزنگ که لایذ کشته‌است، و گاه‌گذاری تکه‌های سبز. مجموعهٔ جزیره عبارت است از یک صفحهٔ خاکی با موزائیک‌ها که با رنگ خاک و قمرز و سبز ترکیب شده باشد، خطوطی در میان آنها که یعنی جاده‌ها و تکه‌تکه‌های سوزن‌خورده‌ای با رنگ بازر، یعنی آب‌آبادی‌ها. و روی همهٔ این بساط خاتم، تکه‌های ابر مثل تکه‌های پنبه که لایذ دارند خاتم را یک می‌کنند و سفیل می‌دهند. و چه خشک است این جزیره، ساحل غربی شایر باریک است که رود است، بر سر آن، شیرابه و بزبگی از ابر، و درخت و سبزی به‌ندرت، درست به مملکت خودمان می‌ماند. چنین خاکی وسط چنین دریائی، که حدودش را مثل کف دستت می‌بینی و آن وقت خشک و بی‌آب.

خندندار است.

حالا به دست‌آمد که ما داریم از نواحی شمالی قبرس می‌گذریم. دست‌چپ طیاره، سرزمین وسیعی با کوه و دره پیداست که گویا قسمت‌های مرکزی و جنوبی جزیره است، باز با پوششی از ابرها.

حالا دیگر کم‌کم داریم جزیره را پشت سر می‌گذاریم، اما در بالای جزیره، دست راست ما، در دور ساحل ترکیه هم پیداست، و حالا جالب این است که روی سطح آب دریا، سفیدک‌مانند‌هایی مثل کوبی روی، نه، مثل خرده‌های نفتالین که روی پتوهای سبزمین می‌ریخته‌اند که بی‌چشمیش و کنار بگذریم، نمی‌توان دید که پتوهای سبزه‌اند یا کف آب‌اند یا کشتی و قایق‌اند. کف که نمی‌تواند باشد، چون درآرام است، نمی‌دانم چیست!

و این سفیدک‌ها همین‌طور زیاد می‌شود. تمام دریا پوشیده است، اما نمی‌دانم چیست. بالاخره فهمیدم، در خیابلی مود جاز، و اینها کف موجه‌است که روی می‌همی و غلغند می‌می‌کنند. یاد از غرب به‌ندرت است و موج‌ها هم همین جهت دارند. آب از غرب بشوق روی می‌آید و این کف می‌کند و هر لکه سفیدی دو-سه ثانیه بیشتر پیدانمیت، از این رو: کف می‌بازد در جای خودش یک‌لکه می‌کند. دیگر چه می‌شود. مسلماً همان کف امواج است. باید دریا خیلی مملو باشد که پتوهای سفید پدید آید و کوبای رفته‌یم، وگرنه «سیمین» پوست می‌انداخت. آلان هم رنگش پریده و کوبای باز حالش به هم خواهد خورد، ناراحت‌می‌کند.

می‌نوشته‌ا:

(Phare.) کلمهٔ فرانسوی به معنای فانوس دریایی

Cosmopolite.۲ بین‌المللی یا جهان‌وطنی



۴۰ درصد آنتی بیوتیک های کشور در اصفهان تولید می شود

اصفهان / خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت داروسازی فارابی گفت: این شرکت حدود ۴۰ درصد انواع آنتی بیوتیک های کشور، به ویژه سوسپانسیون های آنتی بیوتیک در گروه کودگان را تولید و تامین می کند. علیرضا گندری افزود: تمهیدات لازم برای تولید انواع آنتی بیوتیک ها، به ویژه سوسپانسیون ها انجام شده است تا کشور در زمستان پیش رو با کمبود این داروها روبرو نشود.

وی با اشاره به این که شرکت داروسازی فارابی به صورت تخصصی در حوزه تولید انواع آنتی بیوتیک ها فعالیت دارد، افزود: این شرکت در نیمه اول امسال رکورد چند ساله خود را با تولید بیش از ۱۳ میلیون عدد شیشه سوسپانسیون آنتی بیوتیک، شکست داد، و قصد دارد با تنوع محصولات خود با دزهای جدید و قوی به کاهش، رنج بیماران کمک کند. گندری از تولید ۴ داری جدید در آنتی بیوتیک نیز خبر داد و گفت: ۲ داروی آن تا دی ماه امسال تولید و به بازار عرضه خواهد شد این داروها برای نخستین بار در کشور تولید می شوند.



تعاونی مسکن فرهنگیان کرج
در سال ۸۳ تشکیل شد و همه اعضا با نوشتن قرارداد پیش فروش برای خانه دار شدن ثبت نام کردند

←←←←←

→→→→→

سرنوشت مبهم پرونده تعاونی مسکن فرهنگیان کرج

معلمانی که پیش شدند ولی صاحب مسکن فرهنگیان نشدند

←←←→→



سرویس شهرستان ها:

تعاونی مسکن فرهنگیان مناطق کرج از آن دست پروژه هایی است که اجرای آن از حدود ۲ دهه پیش تا کنون در بلا تکلیفی باقی مانده است. این پرونده در سال ۱۳ سالگی که از تشکیل آن می گذرد، در کس وقوس های فراوان بوده است، گرچه در نهایت شهر محکومیت هیات مدیره سابق تعاونی ساهلست بازننشده شده اند اما کماکان در خانه های استیجاری سکونت دارند.

حدود ۲ دهه از کلنگ زنی واحدهای مسکونی فرهنگیان می گذرد؛ واحدهایی که در همان



خبر

اجتماعی

به سر می برد به نحوی که ۵۰۰ معلم و عضو تعاونی ساهلست بازنشسته شده اند اما کماکان در خانه های استیجاری سکونت دارند. حدود ۲ دهه از کلنگ زنی واحدهای مسکونی فرهنگیان می گذرد؛ واحدهایی که در همان



سرنوشت مبهم پرونده تعاونی مسکن فرهنگیان کرج

معلمانی که پیش شدند ولی صاحب مسکن فرهنگیان نشدند

←←←→→

مناطق کرج از سوی دستگاه قضا صادر شد. باین حال ویس از گذشت ۵سال از صدور حکم، هنوز این پرونده تعیین تکلیف نشده است و معلمان برای دریافت وجوه و بازیمین خود در بلا تکلیفی به سر می برند.

دست خالی معلمان پس از گذشت ۵ دهه

بهجت بختیاری نژاد مدیرعامل تعاونی مسکن فرهنگیان مناطق کرج با اشاره به این که ۹ سال از تشکیل این تعاونی می گذرد، به تسنیم گفت: این تعاونی در سال ۸۳ تشکیل شد و همه اعضا نوشتن قرارداد پیش فروش برای خانه دار شدن ثبت نام کردند.

وی ادامه داد: این پروژه مسکونی در ۳ نقطه شهر کرج یعنی فردیس، جاده چالوس و گلشهر جامنایی شده بود. چند سال گذشت و خبری از ساخت وساز در زمین های مذکور و پیشرفت پروژه نشد، بنابراین اعضای تعاونی در سال ۸۹ مجبور به شکایت از هیات مدیره شدند که این شکایت در نهایت به محکومیت تمامی اعضای هیات مدیره سابق با اتهام کلاهبرداری و خیانت در امانت منجر شد.بختیاری نژاد افزود: بعد از انجام مراحل بازرسی، پرونده به داد گاه ارسال شد، اما داد گاه بدوی حکم به تبرئه متهمان داد، به پرونده بدوی اعتراض شد، بنابراین پرونده برای تجدید نظر در سال ۹۳ به دادگاه تجدید نظر رفت و تا صدور رأی نهایی دادگاه تجدیدنظر، ۱۲ سال به طول انجامید.

مدیرکل تعاون سیستان و بلوچستان تاکید کرد ضرورت استفاده از تعاونی ها برای رونق گردشگری تفتان

زاهدان/ خبرنگار اطلاعات:مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی سیستان و بلوچستان گفت: برای بهبود شرایط اشتغال و معیشت مردم «تفتان» و رونق گردشگری، تشکیل و توسعه شرکت های تعاونی گردشگری در این منطقه اجتناب ناپذیر است.خلیل احمد سلامی در سفر به تفتان و دیدار با فرماندار این شهرستان، اظهارداشت: رویکرد تشکیل و توسعه شرکت های تعاونی، تناسب فعالیت غیرتعاونی بامزیت و قابلیت های منطقه است.وی افزود: شهرستان تفتان به دلیل آب و هوای مناسب، طبیعت بکر و فرصت های سرمایه گذاری که در حوزه های گردشگری، کشاورزی و معادن دارد، یکی از نقاط مهم استان برای اجرای برنامه های توسعه ای و اقتصادی با اولویت اقتصاد تعاونی به شمار می رود.سلامی ادامه داد: با تشکیل شرکت های تعاونی گردشگری و روستا تعاون ها، توسعه کار آفرینی در تفتان رقم می خورد و مجموعه تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان از افراد متقاضی تشکیل تعاونی حمایت می کند.



معاون پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کرمانشاه تاکید کرد اتباع بیگانه غیرمجاز؛ عامل اکثر آسیب های اجتماعی

کرمانشاه/ خبرنگار اطلاعات: معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان کرمانشاه با اشاره به گزارش هایی از برخی جرائم و آسیب های اجتماعی در استان گفت: عامل اکثر این آسیب ها وجود اتباع غیرمجاز علی الخصوص افغانه در استان کرمانشاه است.نیکزاد عباسی در دیدار با مسئول اداره امور اتباع استنادنداری کرمانشاه، افزود: حضور اتباع افغان غیرتعاونی موجب پدیده هایی همچون حاشیه نشینی و تغییر بافت فرهنگی در بعضی مناطق، تغییر فرهنگ گرفت، افت ضرب بامهت اجتماعی از طریق جرایم سازمان یافته، جعل و قاچاق انسان شده است.وی گفت: دستگاه ها و نهاد های زیادی در زمینه پیشگیری از جرائم مشغول هستند، اما به دلیل این که به صورت جزیره ای کار انجام می گیرد و هر کدام از این دستگاه ها و نهاد ها به صورت مستقل عمل می کنند، اثر قابل توجه و ملموسی به دنبال ندارد.

در چهارمجلس و با همکاری و بختیاری انجام شد بافت ۳۰۰ تخته فرش برای کمک به بازسازی اماکن مقدس

شهرکرد/ خبرنگار اطلاعات: در مراسمی با حضور مسئولان ستاد بازسازی عتبات عالیات استان چهارمحال و بختیاری، ششمین تخته فرش صبح دیروز در حسینیه شهدای کاظمی پور در محله سرچشمه های شهرکرد برش خورد و بافت هفتمین تخته فرش هم شروع می شود.مسئول ستاد بازسازی عتبات عالیات استان چهارمحال و بختیاری از بافت بیش از ۳۰۰ تخته فرش در استان چهارمحال و بختیاری به نیت کمک به بازسازی اماکن مقدس خبر داد.علی کیانی اظهار داشت: از سال ۹۶ عرضه های جدید در استان در جهت کمک به ساخت عتبات و صحن عقیده بنی هاشم (س) شروع شد، که یکی از این عرضه ها بافت فرش توسط بانوان هنرمند استان بود که به صورت افتخاری انجام می دهند که از شروع این طرح تاکنون بیش از ۳۰۰ تخته فرش در ابعاد مختلف بافته شده است و به صورت مزایده داخلی به فروش می رسد و نهایتاً برای توسعه حرم اختصاص داده خواهد شد.



مسئولان ستاد بازسازی عتبات عالیات استان چهارمحال و بختیاری، ششمین تخته فرش صبح دیروز در حسینیه شهدای کاظمی پور در محله سرچشمه های شهرکرد برش خورد و بافت هفتمین تخته فرش هم شروع می شود.مسئول ستاد بازسازی عتبات عالیات استان چهارمحال و بختیاری از بافت بیش از ۳۰۰ تخته فرش در استان چهارمحال و بختیاری به نیت کمک به بازسازی اماکن مقدس خبر داد.علی کیانی اظهار داشت: از سال ۹۶ عرضه های جدید در استان در جهت کمک به ساخت عتبات و صحن عقیده بنی هاشم (س) شروع شد، که یکی از این عرضه ها بافت فرش توسط بانوان هنرمند استان بود که به صورت افتخاری انجام می دهند که از شروع این طرح تاکنون بیش از ۳۰۰ تخته فرش در ابعاد مختلف بافته شده است و به صورت مزایده داخلی به فروش می رسد و نهایتاً برای توسعه حرم اختصاص داده خواهد شد.

مسئولان ستاد بازسازی عتبات عالیات استان چهارمحال و بختیاری، ششمین تخته فرش صبح دیروز در حسینیه شهدای کاظمی پور در محله سرچشمه های شهرکرد برش خورد و بافت هفتمین تخته فرش هم شروع می شود.مسئول ستاد بازسازی عتبات عالیات استان چهارمحال و بختیاری از بافت بیش از ۳۰۰ تخته فرش در استان چهارمحال و بختیاری به نیت کمک به بازسازی اماکن مقدس خبر داد.علی کیانی اظهار داشت: از سال ۹۶ عرضه های جدید در استان در جهت کمک به ساخت عتبات و صحن عقیده بنی هاشم (س) شروع شد، که یکی از این عرضه ها بافت فرش توسط بانوان هنرمند استان بود که به صورت افتخاری انجام می دهند که از شروع این طرح تاکنون بیش از ۳۰۰ تخته فرش در ابعاد مختلف بافته شده است و به صورت مزایده داخلی به فروش می رسد و نهایتاً برای توسعه حرم اختصاص داده خواهد شد.

آگهی مجمع عمومی فوق العاده شرکت سیدگردان فارابی (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۷۰۴۰۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۹۶۸۰۹۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت سیدگردان فارابی که روز یکشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲ در محل شرکت به نشانی: تهران، سعادت آباد، طبقه پنجم مقدم، پلاوار سورب، به حضور بفرمایند.
دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده:
۱-افزایش سرمایه از محل نقدی و مطالبات حال شده
۲-تعمیرات اساسی ساختمان
۳-تعمیرات اساسی ساختمان
۴-تعمیرات اساسی ساختمان
۵-تعمیرات اساسی ساختمان
۶-تعمیرات اساسی ساختمان
۷-تعمیرات اساسی ساختمان
۸-تعمیرات اساسی ساختمان
۹-تعمیرات اساسی ساختمان
۱۰-تعمیرات اساسی ساختمان
مدت زمان جلسه مجمع عمومی فوق العاده می باشد:
هیات مدیره شرکت سیدگردان فارابی

آگهی مجمع عمومی فوق العاده شرکت سیدگردان فارابی (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۷۰۴۰۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۹۶۸۰۹۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی به منظور تصویب تغییرات اساسی شرکت سیدگردان فارابی که روز یکشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲ در محل شرکت به نشانی: تهران، سعادت آباد، طبقه پنجم مقدم، پلاوار سورب، به حضور بفرمایند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالانه:
۱-استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی
۲-تصویب ترانزافه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به اسفند ۱۴۰۱
۳-تصمیم گیری در خصوص انتخاب مدیران برای سال ۱۴۰۲
۴-تصمیم گیری در خصوص انتخاب بازرس اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۴۰۲
۵-تصمیم گیری در خصوص انتخاب بازرس کنترالانتشار
هیات مدیره شرکت سیدگردان فارابی

۱-استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی
۲-تصویب ترانزافه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به اسفند ۱۴۰۱
۳-تصمیم گیری در خصوص انتخاب مدیران برای سال ۱۴۰۲
۴-تصمیم گیری در خصوص انتخاب بازرس اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۴۰۲
۵-تصمیم گیری در خصوص انتخاب بازرس کنترالانتشار
هیات مدیره شرکت سیدگردان فارابی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده و مجمع عمومی فوق العاده شرکت پریشان آدیشی دژگردگان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۳۱۰ شهر کرد

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت بعمل می آید برای حضور در مجمع به قرار ذیل در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۹ در حضور همه رسانند.
الف) مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده در ساعت ۹ صبح با دستور جلسه:
۱) ارائه گزارش عملکرد مالی صورت ترانزافه منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۱۸
۲) انتخاب هیات مدیره جدید و تعیین سمت مدیران
۳) انتخاب بازرس اصلی و علی البدل جدید
۴) سایر موارد
ب) مجمع عمومی فوق العاده در ساعت ۱۴ با دستور جلسه:

۱) افزایش سرمایه شرکت با پذیره نوبسی سهامداران فعلی و واجد سهامدار جدید
۲) تغییر نام شرکت.
هیات مدیره شرکت

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص سنگاب آذرشهر به شناسه ملی ۱۰۱۳۶۰۳۴۸ و به شماره ثبت ۹۱۷۰۶ به استناد مصوبه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

تصمیمات ذیل اتخاذ شد شرکت مهندسی ساختمان به شناسه ملی ۰۰۶۷۰۲۶۶۰ و به نمایندگی محمدمتقی حکیم پناه به شماره ملی ۰۰۶۷۰۲۲۲۴۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ اقای آقای سیدحسین مجمران با شناسه ملی ۱۸۰۰۸۱۳۳۰۱ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ اقای حسن شادبه به شماره ملی ۱۸۵۸۳۹۰۳۵۰ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ اقای حمیدرضا سعیدپور به سمت نایب هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ اقای سعید میراعمالی تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ اقای سعید پیردیند کلیه اسناد تعهدات اعم از چکها و بروات و سفته ها و قراردادها با امضای متفق مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره به همراه مهر شرکت و یا با امضای متفق دو نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق و مراسلات با امضای مدیرعامل و در عیاق وی با امضای هریک از اعضای هیئت مدیره معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۸۴۰۸)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶

بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامداران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶ که مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ راس ساعت ۱۰ به نشانی: استان قزوین، شهرستان قزوین، بخش کوهین، **دستگاه ایلات قازان شرقی، روستا رامشان، خیابان (املی)، خیابان چاده رامشان، پلاک ۵، کیلومتر ۱۰ جاده رامشان، طبقه همکف کدپستی: ۳۳۷۱۵۵۶۶۱** تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

دستور جلسه:
۱-استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی
۲-تصویب ترانزافه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به اسفند ۱۴۰۱
۳-تصمیم گیری در خصوص انتخاب مدیران برای سال ۱۴۰۲
۴-تصمیم گیری در خصوص انتخاب بازرس اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۴۰۲
۵-تصمیم گیری در خصوص انتخاب بازرس کنترالانتشار

هیئت مدیره شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶

بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامداران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶ که مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ راس ساعت ۱۰ به نشانی: استان قزوین، شهرستان قزوین، بخش کوهین، **دستگاه ایلات قازان شرقی، روستا رامشان، خیابان (املی)، خیابان چاده رامشان، پلاک ۵، کیلومتر ۱۰ جاده رامشان، طبقه همکف کدپستی: ۳۳۷۱۵۵۶۶۱** تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶

بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامداران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶ که مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ راس ساعت ۱۰ به نشانی: استان قزوین، شهرستان قزوین، بخش کوهین، **دستگاه ایلات قازان شرقی، روستا رامشان، خیابان (املی)، خیابان چاده رامشان، پلاک ۵، کیلومتر ۱۰ جاده رامشان، طبقه همکف کدپستی: ۳۳۷۱۵۵۶۶۱** تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامداران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶ که مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ راس ساعت ۱۰ به نشانی: استان قزوین، شهرستان قزوین، بخش کوهین، **دستگاه ایلات قازان شرقی، روستا رامشان، خیابان (املی)، خیابان چاده رامشان، پلاک ۵، کیلومتر ۱۰ جاده رامشان، طبقه همکف کدپستی: ۳۳۷۱۵۵۶۶۱** تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶

بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامداران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶ که مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ راس ساعت ۱۰ به نشانی: استان قزوین، شهرستان قزوین، بخش کوهین، **دستگاه ایلات قازان شرقی، روستا رامشان، خیابان (املی)، خیابان چاده رامشان، پلاک ۵، کیلومتر ۱۰ جاده رامشان، طبقه همکف کدپستی: ۳۳۷۱۵۵۶۶۱** تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶

بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامداران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶ که مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ راس ساعت ۱۰ به نشانی: استان قزوین، شهرستان قزوین، بخش کوهین، **دستگاه ایلات قازان شرقی، روستا رامشان، خیابان (املی)، خیابان چاده رامشان، پلاک ۵، کیلومتر ۱۰ جاده رامشان، طبقه همکف کدپستی: ۳۳۷۱۵۵۶۶۱** تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶

بدین وسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی سهامداران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت قزوین شیمی اوان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۸۲۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۳۴۸۶ که مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ راس ساعت ۱۰ به نشانی: استان قزوین، شهرستان قزوین، بخش کوهین، **دستگاه ایلات قازان شرقی، روستا رامشان، خیابان (املی)، خیابان چاده رامشان، پلاک ۵، کیلومتر ۱۰ جاده رامشان، طبقه همکف کدپستی: ۳۳۷۱۵۵۶۶۱** تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

آگهی مناقصه بیدرینگ

شرکت سیمان کردستان در نظر دارد، جهت خرید بیدرینگ های درخوستی کارخانه از طریق مناقصه عمومی به افراد حقیقی یا حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.لذا از متقاضیان محترم درخواست می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت رسمی شرکت به نشانی: <https://www.kordestancement.com>: مراجعه و حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۲ به دفتر مرکزی این شرکت واقع در **میدان آرتزنتین ابتدای خیابان الوند نیش کوچه البرز، پلاک ۱۱، طبقه اول، امور بازرگانی** و یا دیداریخانه کارخانه سیمان کردستان به نشانی: **بیجار، کیلومتر ۵ جاده تکاب** مراجعه نموده و پیشنهاده خود را در پاکت بسته تحویل نمایند.

آگهی مناقصه عمومی ۱۴ آئیم قطعات ریخته گری کارخانه سیمان خوزستان

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام) در نظر دارد خرید ۱۴ آئیم قطعات ریخته گری مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دمورحله ای به شرکتها و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

لذا از کلیه شرکت ها و پیمانکاران دارای سابقه کار مرتبط و واجد صلاحیت دعوت بعمل می آید در صورت تمایل نسبت به تهیه اسناد مناقصه و حضور در برنامه بازدید یا محل کارخانه سیمان خوزستان بشرح ذیل اقدام نمایند.
دریافت اسناد مناقصه:
مراجعه به سایت شرکت سیمان خوزستان به آدرس WWW.KHCCO.COM و یا مراجعه به کارخانه سیمان خوزستان واقع در استان خوزستان-کیلومتر ۲۲ جاده راهمهرمز-هفتکل -منطقه دشت دنا-کارخانه سیمان خوزستان-واحد بازرگانی
محل تحویل پاکات پیشنهاد به شرکت سیمان خوزستان:
کارخانه سیمان خوزستان -دبیرخانه واحد حراست-شماره تماس: ۰۰۶۴۳۵۸۳۰۰۱۴-داخلی ۳۳۳ (از ساعت: ۰۳:۰۰ الی ۱۴)
لازم به ذکر است آخرین مهلت ارائه اسناد و پیشنهادات حداکثر بمدت ۱۷روز از درج آگهی می باشد.

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام) در نظر دارد خرید ۱۴ آئیم قطعات ریخته گری مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دمورحله ای به شرکتها و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

لذا از کلیه شرکت ها و پیمانکاران دارای سابقه کار مرتبط و واجد صلاحیت دعوت بعمل می آید در صورت تمایل نسبت به تهیه اسناد مناقصه و حضور در برنامه بازدید یا محل کارخانه سیمان خوزستان بشرح ذیل اقدام نمایند.
دریافت اسناد مناقصه:
مراجعه به سایت شرکت سیمان خوزستان به آدرس WWW.KHCCO.COM و یا مراجعه به کارخانه سیمان خوزستان واقع در استان خوزستان-کیلومتر ۲۲ جاده راهمهرمز-هفتکل -منطقه دشت دنا-کارخانه سیمان خوزستان-واحد بازرگانی
محل تحویل پاکات پیشنهاد به شرکت سیمان خوزستان:
کارخانه سیمان خوزستان -دبیرخانه واحد حراست-شماره تماس: ۰۰۶۴۳۵۸۳۰۰۱۴-داخلی ۳۳۳ (از ساعت: ۰۳:۰۰ الی ۱۴)
لازم به ذکر است آخرین مهلت ارائه اسناد و پیشنهادات حداکثر بمدت ۱۷روز از درج آگهی می باشد.

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی تامین انواع فن کارخانه سیمان خوزستان

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه عمومی خرید انواع فن (تکفاز، رکتفایر، اینورتر فن درایو) مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی تک مرحله ای به شرکتها و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

لذا از کلیه شرکت ها و پیمانکاران دارای سابقه کار مرتبط و واجد صلاحیت دعوت بعمل می آید در صورت تمایل نسبت به تهیه اسناد مناقصه و حضور در برنامه بازدید یا محل کارخانه سیمان خوزستان بشرح ذیل اقدام نمایند.
دریافت اسناد مناقصه:
مراجعه به سایت شرکت سیمان خوزستان به آدرس WWW.KHCCO.COM و یا مراجعه به کارخانه سیمان خوزستان واقع در استان خوزستان-کیلومتر ۲۲ جاده راهمهرمز-هفتکل -منطقه دشت دنا-کارخانه سیمان خوزستان-واحد بازرگانی
محل تحویل پاکات پیشنهاد به شرکت سیمان خوزستان:
کارخانه سیمان خوزستان -دبیرخانه واحد حراست-شماره تماس: ۰۰۶۴۳۵۸۳۰۰۱۴-داخلی ۳۳۳ (از ساعت: ۰۳:۰۰ الی ۱۴)
لازم به ذکر است آخرین مهلت ارائه اسناد و پیشنهادات حداکثر بمدت ۱۷روز از درج آگهی می باشد.

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام)

آگهی مناقصه جهت لوله کشی خط انتقال شرکت سیمان کردستان

شرکت سیمان کردستان در نظر دارد، جهت لوله کشی خط انتقال آب کارخانه از طریق مناقصه عمومی به افراد حقیقی یا حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.لذا از متقاضیان محترم درخواست می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت رسمی شرکت به نشانی: <https://www.kordestancement.com>: مراجعه و حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۲ به دفتر مرکزی این شرکت واقع در **میدان آرتزنتین ابتدای خیابان الوند نیش کوچه البرز، پلاک ۱۱، طبقه اول، امور بازرگانی** و یا دیداریخانه کارخانه سیمان کردستان به نشانی: **بیجار، کیلومتر ۵ جاده تکاب** مراجعه نموده و پیشنهاده خود را در پاکت درب بسته تحویل نمایند.

آگهی مناقصه عمومی تامین انواع آجر نسوز کارخانه سیمان خوزستان

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه عمومی خرید اجرهای نسوز مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی تک مرحله ای به شرکتها و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

لذا از کلیه شرکت ها و پیمانکاران دارای سابقه کار مرتبط و واجد صلاحیت دعوت بعمل می آید در صورت تمایل نسبت به تهیه اسناد مناقصه و حضور در برنامه بازدید یا محل کارخانه سیمان خوزستان بشرح ذیل اقدام نمایند.
دریافت اسناد مناقصه:
مراجعه به سایت شرکت سیمان خوزستان به آدرس WWW.KHCCO.COM و یا مراجعه به کارخانه سیمان خوزستان واقع در استان خوزستان-کیلومتر ۲۲ جاده راهمهرمز-هفتکل -منطقه دشت دنا-کارخانه سیمان خوزستان-واحد بازرگانی
محل تحویل پاکات پیشنهاد به شرکت سیمان خوزستان:
کارخانه سیمان خوزستان -دبیرخانه واحد حراست-شماره تماس: ۰۰۶۴۳۵۸۳۰۰۱۴-داخلی ۳۳۳ (از ساعت: ۰۳:۰۰ الی ۱۴)
لازم به ذکر است آخرین مهلت ارائه اسناد و پیشنهادات حداکثر بمدت ۱۷روز از درج آگهی می باشد.

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه عمومی خرید یک دستگاه لیفتراک ۳ تن بر ند توپوتا کارخانه سیمان خوزستان

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه عمومی خرید یک دستگاه لیفتراک ۳ تن برند توپوتا مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی تک مرحله ای به شرکتها و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی خرید یک دستگاه لیفتراک ۳ تن برند توپوتا کارخانه سیمان خوزستان

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه عمومی خرید یک دستگاه لیفتراک ۳ تن برند توپوتا مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی تک مرحله ای به شرکتها و پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

لذا از کلیه شرکت ها و پیمانکاران دارای سابقه کار مرتبط و واجد صلاحیت دعوت بعمل می آید در صورت تمایل نسبت به تهیه اسناد مناقصه و حضور در برنامه بازدید یا محل کارخانه سیمان خوزستان بشرح ذیل اقدام نمایند.
دریافت اسناد مناقصه:
مراجعه به سایت شرکت سیمان خوزستان به آدرس WWW.KHCCO.COM و یا مراجعه به کارخانه سیمان خوزستان واقع در استان خوزستان-کیلومتر ۲۲ جاده راهمهرمز-هفتکل -منطقه دشت دنا-کارخانه سیمان خوزستان-واحد بازرگانی
محل تحویل پاکات پیشنهاد به شرکت سیمان خوزستان:
کارخانه سیمان خوزستان -دبیرخانه واحد حراست-شماره تماس: ۰۰۶۴۳۵۸۳۰۰۱۴-داخلی ۳۳۳ (از ساعت: ۰۳:۰۰ الی ۱۴)
لازم به ذکر است آخرین مهلت ارائه اسناد و پیشنهادات حداکثر بمدت ۱۷روز از درج آگهی می باشد.

شرکت سیمان خوزستان (سهامی عام)

شهرستان ها

رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با بیان این که مأموریت مهم مایشگیری از تخلفات است که باید اطلاع رسانی شود، افزود: ما در مواجهه با مسائل غیر اخلاقی، بسیار جدی برخورد خواهیم کرد.

نماینده وزیر علوم: با مسائل غیر اخلاقی در دانشگاه ها برخورد می کنیم

سرویس شهرستان ها: نماینده وزیر و مدیرکل هماهنگی هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با بیان این که مأموریت مهم مایشگیری از تخلفات است که باید اطلاع رسانی شود، افزود: ما در مواجهه با مسائل غیر اخلاقی، بسیار جدی برخورد خواهیم کرد.